

ایام نواقص آن و تکمیل داده و بدهند. از آنرو در سایه آن بانواع ترقیات فوق‌العاده نائل گردیده کس آن الماکی در عالم بفروش آورده - علم علم و دانش افرایسته - و به نشر علوم معاش و صنعت و حرفت و اختراعات جدید برداشته - در سایه درخت اتفاق و شورا و قانون که شکوفه اش علم و صنعت و حرفت است از پیوه آن که عزت و دولت و ثروت میباشد برخوردار گردیده - بهمان ذریعه و وسیله علم ملک گیری و رایت همان گشائی افرایسته - از اقصی بلاد مغرب رهسپار بر ادنی ممالک مشرق شده - فرمانگذار گردیده امده ممالک جهان را در تحت فرمان آورده الا ماشاؤوندر که آنهم گویا اقمه نزدیک دهانشانست هر وقت بخواهند بیلمش اقدام توانند کرد - روز بروز در توسیع ملک و تسهیل امور معاش و فراخی اسباب تمدن کوشان - و بهمو آثار دشمنان خود - می اند - و بخوی مات خواهی و دولت برستی را شعار کرده که هرگاه یک نفر از ضعفايشانرا در اقصی بلاد اجنبیه که هزاران فرسنگ دور باشد اندک صدمه از بیگانه وارد آید تمام هول و ملل اروپائی با تمام قوای خود از مال و جان و استعداد حاضر و آماده برای تقاص او ولواشکه ملت و دولت خود را بر سر انکار ناپود نمایند با کمال سرگرمی کوشیده تلافی و قصاص میبایند

واقعه چون ۵ روز چند روزی از آن نگذشته در پیش نظر است - محض صدمه که بر چند فرعیسویان بومی وارد آمد با اینکه تقصیر و زیاده از کشیشان بود - دول عیسویه از غرب الغرب روی بشرق الشرق آورده ممالک آنها را با این بسطت بین خود مانند مرده ریگ توزیع و تقسیم نمودند - و بعد از خور و زیمای بسیار و غارتهای بیشمار که بعوس دو سه نفر مرعی داشتند حال از آنچه نیز در تصرف خاقان باقیمت دست بر میدارند و هر روز بیک وسیله قصد میکنند که یکباره در تصرف خود آرند - نیست این ترقی و عزت مگر از نتایج اتفاق و قانون و مشورت اهل رأی و دانش

چون فقرات نفاق و بیقانونی از مطلب سابقه معلوم شد زیاد تشریح نمیخواهد - هرگاه بنای تشریح باشد میتوان بیک نظر عبرت در ملک و وطن و ملت ایران دریافت نمود که مضرت نفاق و خودرانی و جهل و بیقانونی چه بروزگارشان آورده و چه بلاها بر سر آنان بعد از این خواهد آورد

کاش اندکی تأمل و تفکر کرده بدقت نظر بر احوال آتیه خود و اولاد و احفاد خویش بنائیم - شاید در فکر چاره افتاده بروة الوثقی قانون شریعت خرا متمسک شده براه رشد و فلاح قدم گذاریم ای اولیای دین و دولت و رؤسای ملک و مات محکم محکم عقل و شرع و تجربه اجرای قانون شرع انور محمدی در ملک واجب و مورت ثواب و خلاف آن حرام و مستوجب عقابست - قد مردانگی و دینداری و ملک خواهی علم نموده - مات و دولت که سپرده بدست شما میباشد از چنگال زهر آلوده و دشمنان زبردست و گرگان آدم خوار برهائید - اولاد بنیاد درالشورای دولتی و اوق گذارده عفتلای دیندار و خردمندان دولت خواه را که در گوشه انزوا با غایت کنسای خزیده جمع آوری و بآراء سیاسیه و عقول مستقیمه ایشان ملت و دهات را از مرض مزمن خود پسندی و خودرانی که ام الامراض است بدوهای مجریه تریاقیه خرد ندانه شفا بخشید - اگر چه این مرض مزمن عسرالعلاج شده لکن چون نفسی باقی است امید بودی در او هست - بیم از آنستکه هرگاه اندکی تاخیر در معالجه و مداوا شود یکباره روح مفارقت کرده بصییت فنداش مبتلا گردیم و دیگر هر چه گریه و زاری و ناله و سوگواری کنیم سود بخشد ملتس از حضرات علای اهل مدظلالهم العالیه علی رؤس الانام و رجال دولت ابد ملک اینکه اندکی عطف عنان باصلاح امور ملت و دولت فرموده سی و کوشش فرمایند که پیش از این سلسله قومیت و ملیت از هم ننگند (رحم الله امره) سمع و نفاق و رحم عبوت و استجاب دعوی (واقم ام - ص - ح)

مکتوب از طهران

حاجی امین‌السلوله را احضار کرده اند. اندازه که  
بندگی نکرانده این وجود محترم را شناخته هرگز گمان  
ندارم که با این وضع دربار زیربار صدارت که سهل  
است حکومت مملکت را قبول نماید

حاجی امین‌السلوله در صدارت خود نفاق رجال و  
اختلال امور را برای امین ملاحظه نموده - خواست  
ترتیب محیی مانند سایر دول در امور بحاکمت دهد - از  
یکطرف خزینة دولت تهی - ملازمین رکاب‌های پونی نوکیسه  
و گرسنه - صاحبان مناصب لشکر مملکت هیچگونه لوازم  
جنگی نبوده همه محتاج قوت - و اغلب امتیازات دولت  
لذت‌قبیل لشکان و حایل و شمشیر و فرامین در گرو بانگ  
استقراضی هرچه در انداز کرد که بلکه از مستمریهای  
مقت خوران و مستوفیان که بی‌جبهه و سبب مالک همه  
چیز هستند مقداری قطع و سایر محتاجین را از هر صنف  
قدری و مدنی رقابت دهد - حالات بی‌دری آنها  
از خیالش بازداشت - مأیوسانه تدبیری نمود که شاید  
از یکی‌دول بیدیه اندازه رفع احتیاج استقراضی نموده  
گر سنگان را راحت بخشد و بعد باصلاح امور پردازد -  
هنوز مرکب شرایط استقراض با دولت بلژیک خشک نشود  
خواستند بنوعی تقسیم و توزیع کنند که پول ایران  
رسیده تمام شود - لابد ترك نمود - و همینکه سلطان  
گفت که باید دخل و خرج سلطنت معین و محدود شود -  
مهم بجمهوری طلبی گردید و کردند تا اینکه منزویش  
ساختند - پس از آنکه میرزا علی اصغر خان مجدداً  
بسرکار آمد آتی در اضمحلال دولت و خرابی ملت  
خود داری نکرد - و کرد آنچه باید بکند . . .

بعد ازین فاتحه ایران را باید خواند - چه امید ترقی  
را از هر طرف قطع نمود - اگر با دولت روس تسلیم  
سوم خانه‌اش معین - اگر با انگلیس برگردیم و خاموش  
مشغول - اگر خودمان اداره کنیم با کدام غیبت  
و با کدام پول - موجد حقیقی شاهد است گذشته از روس  
و انگلیس و فرنگ و غیره - ابناء وطن بدرجه بی‌رحم و

مروت شده اند صکه فرنگیان را با آن دسپس و  
نیرنگ و چاپلوسی باید مقدس شمرد - چه اگر آنها  
حقوق ما را یک یک می‌برند باز بزبان خوش و اسلوب  
مرغوب و مطبوع ظاهراً با ما سلوک مینمایند - رجال دربار  
بی هیچ سبب و جبهه هم حقوق ملی ما را پایمال و هم  
هتک آبروی ملت را کرده و در تعدی فاحش آتی تأمل  
ندارند - ایکاش مرده بودیم و این دوره نصیبت  
و اضمحلال را نمیدیدیم -

گروه بایه امروز غالباً پیشکار و خفیه نویس  
اجانب خاصه روسها میباشند - چه جای مهر و محل مقرر  
برای خود ندارند الا ادوات خارجه من جمله . . . . .  
نام صکه بواسطه دانستن چند کلمه فرانسه در بانک  
استقراضی مستخدم است - تمام اخبارات و اطلاعات  
دولت و ملت را بواسطه هم مذهبیان خود که با رجال  
و عاها مربوط اند آنآناناً فائاً برپیس بانک میرساند - رجال  
سست عنصر ما نیز از قات شعور و دراکه که هل از  
هلیله و میخک را از میخ طویله تمیز نتوانند داد هرچه  
در ضمیرشان هست بدون ملاحظه بآنها میگویند -  
روسها نیز چون بجز آنها کسب اخبار و اطلاعات را  
بحال میدانند لابد میدهند بآنها آنچه را که میخواهند -  
و همراهی میکنند با آنان آقدر که پیشرفت نماید - عمده  
اخبار نویس و راپورتچی روسها . . . . . ناهی است  
که چایار رشت و طهران در دست و شرح حالات  
میرزا علی قلی برادرش در طهران و چگونگی با  
جسد او را البته اطلاع دارید - خوب است دولت قبل  
از همه اصلاحات سد سددیدی در جلو این خرابیها  
کشیده اقلأ آنرا در اینگونه کارهای عمده انتخاب  
نمایند

مکتوب بی‌فرضانه مصلحانه

عطف بماسق

بلی - ایران در عرض هفتاد سال بضایعات بسیار  
بزرگ مبتلا گردید - نخست وفات مرحوم نایب‌السلطنه -  
دوم قضیه مرحوم قائم مقام - سوم واقعه مرحوم آتابک

اعظم میرزا قی خان - چهارم وفات میرزا حسن خان مشیرالدوله - بجم انفصال حاجی امین الدوله از صدارت - که صد سال ایرانیان را عقب انداخت و بختهای غیر منتظر دو چار نمود -

از سیاح فرانکی پرسیدند ایران و ایرانیان را چگونه دیدی - پاسخ داد ملک خراب و ساکنان آن مانند گاه گریز گرسنه از روی جهل و نادانی با عداوت و کین در کین یکدیگر نشسته غلبه یکی بر دیگری بسته یک چشم بر هم نهاده است - حق اینست شنیدن این عنوانات دلخراش از بار و اغیار ما را در نخستین درجه دلخون و سرافکننده میدارد - شایسته و روانیست در این عصر که عموم مال و اقوام ترك وحشت گفته و طریق مدیریت می پویند - دولت قدیم و ملت نجیب ایران دست خوش خیالات برخی مستبدین خیانت پیشه گردیده و باب سعادت و فلاح بر چهره آنان مسدود ماند -

معلوم است بیچ مات بخودی خود ترقی نموده یا مانند پادشاه دل آگاه زاپون ( میکادو ) پادشاهی در صدد ترقی ملت برآمده و یا حکیم و عالی مانند پرنس بسهارک به ترقی افکار آنها کوشیده - و از مزیت انسانی آنان را بهره ور داشته است - و بهترین وسیله آگاهی ملت مطبوعات است - اگر مطبوعات ترقی نماید ملت ترقی خواهد نمود - و ترقی مطبوعات هم بسته با آزادی افکار و آزادی قلم آناست - زیرا اگر روزنامه نگاری در بیان افکار آزاد نبوده با کمال آزادی افکار خود را بیان کردن نتواند - و روزنامه از قید مسئولیت هم و زید وارسته نباشد ناچار از مداحی دروغین و مدهانه بجا خواهد گردید - و آن روزنامه جز ضرر و خسار فائده نمی بخشد - زیرا از کوچک و بزرگ رئیس و مرؤس تا عیب خود آگاه نگردند در دفع او چاره جویی را کمر می بندند - فلان ظالم را که با عدل ستودند رفته رفته بر خود او هم اشتباه حاصل شده کردار زشت خود را نیکو می بندارد - و ستم و جور را داد و صفت

می انگارد - و مرکز کل نیز بنصورت آنکه نلمه نگار درست خبر داده بر رتبه و مقام آن ستمگر میافزاید بازار ظلم و جور رواج و بساط عدل و داد فاسد و کاسه میگردد - و رفع این نواقص جز با قانون اساسی نتواند شد - زیرا تا قانون اساسی تأسیس نشد گاه روزنامه حبل المتین را روزنامه مقدس و صاحب امتیازش را مؤید الاسلام خواهند خواند - و گاهی در منع دخول او بخاک پاک وطن هزار گونه بهانه و دست آویز پیدا خواهند نمود

جهة اعمار ملك و قوت دولت و آسودگی رعیت پنج چیز در کار است

اس اساس آن مساعده و خواهش ذات اقدس شهرباریست - که خدا این نعمت جهان قیمت را اینک بایرانیان عنایت فرموده - اگر قدرش را بدانند و حقش را ضایع نگذارند -

دوم - وضع قوانین و تعیین وظایف و نشر آن تا عموم مأمورین و رعایا بر تکلیف خود بصیر و واقف گردند -

سوم - اقدامات منهدیه و کلای دولت بمقتضیات مأموریت -

چهارم - اهتمام در حسن اجرای وظایف مأموریت مأمورینکه باطراف محاکت روانه مینمایند

پنجم - اتفاق معتبرین ملت با مأمورین صداقت پیشه که در اندیشه حسن خدمت بدولت و اعمار ملك و آسودگی و ترقی ملت میباشد

باید دانست مقصود از قانون و سکا فة نظامات که زبانزد خاص و عام شده - آنست که هر صنف از نجه جانا - مالا - اعتباراً - امنیت کامله از دولت متبوعه خود داشته - که اینمنی اول وظیفه حکومت اسلامی است - از پادشاه تا کدخدای - اعالی و ادالی - رعایا تا محکوم بخصاص شرعی و عینی نشده اند خواه در ختیه و خواه در آشکار به نهمت هیچگونه جنحه و جنایت و خطا و خیانت زجر و قتل آنان مخالفت شرع شریف است - و

جزای مأمورین مجرم اگر در امور داخلی خیانت شان ثابت شود منحصر بزل و فنی و تنزیل رتبه و حبس موقتی و دائمی بوده - و اگر در امور سیاسی و مقاولات بین الدول و یا مواضع با اجانب بوده باشد بعد اثبات قتل و اعدام - و جزای عساکر بقانون عسکری ترتیب شود. ولی در ماده هر یک که اسناد جنحه و جنایت و یا خطا و خیانتی داده شود نباید بدون غور درباره آنان جزا ترتیب شود - باید بطور شایسته تحقیقات لازمه بعمل آمده و تا تبیین نموده هیچگونه جزائی در باره آنان ترتیب و تعیین نشود -

باید از جانب دولت اصولی اتخاذ شود که عموم اهراد ملت خواه اعیان و خواه رعایا قدرت و ثروتیکه دارند با کمال امنیت و آزادی اظهار و در اعمار ملک و ترقی صنایع و کشف و بیرون آوردن معادن مملکت صرف نمایند

نباید از هیچ محکمه خواه شرع و خواه عرف پادان و گرفتن رشوه کاری تسویه و حکمی صادر شود - لازم است در اینخصوص در نخستین درجه دقت و اهتمام نمایند - و هر کس که به فعل نجس نجس ارتشاء ارتکابش تبیین نمود - اگر مأمور دولت است بکلی از مأموریت اخراج - و اگر از حکام شرع شریف است احکام او بکلی از درجه اعتبار ساقط - و از رسیدگی بمحاکمات ممنوع آید - و در دوائر حکومت اغماض و مسامحه را در ماده مجرمین هیچوجه جایز نشمردند و بعد از ثبوت بدون استثنا جزای لازمه را در حق آنان مجری دارند

و نباید در دوائر دولت جهة اشخاص شغل تدارک کنند بلکه جهد و کوشش نمایند که از برای کارها آدم پیدا کنند - تا کار در محور خود دوران کند و بکارها نقصان وارد نیاید بلی باید جهة مناصب اشخاص بادانش و مناسب آماده نمود

لازم است در امور دولتی و ملکی و لشکر و کشور مردمان با اهلیت و ناموس عالم مستخدم شوند

تا شرف مسدود بدانند - و حق مأموریت را بشناسند - و در باره کسانی که از آنان حسن خدمت بروز نموده و اظهار لیاقت و کفایت داده از مکافات شایسته و درخور مضائقه بشود تا مابیه تشویق دیگران گردد -

و هم در جزای خیانت پشه گان ابداً تأخیر نشود تا اسباب عبرت دیگران گردیده و کسانی که در سرکار هستند از عاقبت کار اندیشه نموده نیف مانشاء حرکت نمایند و نباید هیچیک از مأمورین از صدر اعظم گرفته تا سبسالار و وزرای دیگر اقتدار آن داده شود - که بتواند برای و اراده شخصی بتزویع رتب مأمورین و یا تکذیب و تمزیر آنان اقدام نماید - و اینگونه رد و قبول باید مربوط به قرارداد هیئت وکلا و انضمام رای بعض از ذوات بیخبر باشد

و نباید در ارباب مناصب خاصه و کلاسیکه امور داخله و خارجه و مالیه و عسکریه را در عهده دارند زود زود تبدلات بوقوع پیوند - و عزل آنانم نباید سبب شود که نظامات تغییر یابد - و نیز هدایا نپذیرد - خاصه در این دوائر چهارگانه که هستی و بقای دولت بسته بحسن و سوء انتظام این چهار دایره است - که در همه حال جهة اینچهار دستگاه باید مأمورین با علم و تجربه و مقتدر - با ناموس و غیر مرتشی انتخاب شود - و امور معظم بدون انضمام رای آنان تسویه نگردد رتب و عنوان و صاحب رتبه و عنوان باید منحصر و محدود باشد - پیش از لزوم با حدی رتبه و عنوان داده نشود -

و بدی املاک از عموم طبقه بالتساوی اخذ شود و در باره احدی حایه و رعایت و یا عذر و رحمت را جائز نشمارند - و جهة حفظ و حراست ملک و شئون دولت لازم است که عمده دخل دولت و واردات خزانه در تنظیم و ترتیب قوه بری و بحری و استحکام حدود صرف و لوازم حرب بمقتضیات وقت تهیه و آماده شود -

و باید در هر ولایت يك اردو از اصالی همان ولایت تشکیل و جمیع مهیات يك اردو از همه جبهه در مرکز ولایت مهیا و آماده باشد - در جمیع نقاط ولایت به قدر عسکری که در آن نقطه میباشد لباس و سلاح بقدر کفایت در همانجا مهیات باید حاضر باشد - که بمحض احضار شدن لباس پوشیده و سلاح گرفته عازم شوند - زیرا در این ایام اگر در هر نقطه عسکر جبهه محافظ آن نقطه حاضر و آماده نباشد باید رحمت بقائل فرستاد و سرود (پیش از آنم بکشد زهر که تریاق آید) تا تریاق از عراق برسد طار گزیده ترك حیات خواهد گشت - و راه دیگر سرای خواهد سپرد .

جبهه عدم ایرات خال بواردات دولت باید وزن و عیار مسکوکات را در راده مخصوصه و دفصیات مقطوعه وضع نمایند که تغییر پذیر نباشد .

باید همه ساله اخراجات محصول اتمه داخله با اوخالات اتمه خارجه موازنه شود - و دائم درصدد تحصیل اسباب تکثیر اخراجات و تقابل ادخالات برآمده در اینخصوص در نخستین درجه دقت و اهتمام نمایند . در ماده قبل سخن از مسکوکات بمیان آمد - بلك مطب حیرت انگیزی در عمل مسکوکات ایران مشهود است - که با هرکس بمیان آورده ام همگی مرا تسدیق نموده اند - ولی بسکه غیرت ملی و حمیت قومیت از ما کاسته هیچکس در این فکر و خیال نیست - لذا در حضور عالی و ادای ملت ایران استرحام مبرود - که مرحمت فرموده پاسخ و سر انجمله را بواسطه روزنامه مقدس جبل المبین اطهار به فرمایند - که رفع اشتباه ازین دردمند بی نصیرت بشود - معلوم است سال دوازده ماه علی الاتصال خروارها احاب و خود ملت غیور . . . ایران ازخارج نقره ایتباع و حمل ایران و در ضربخانه عامره سکه میزنند - آیا در عوض این نقره ها پول میدهند یا آنکه مفت از باد و هوا گرفته میآورند - اگر مفت است چرا کم میآورند - و اگر عوض میدهند . . .

آیا اگر بجای نقره طلا خواسته باشند با نان نمی دهند ؟ اگر دولت علیه ایران ضرب نقره را بکلی موقوف فرماید و در دارالضرب جز طلا سکه نشود آیا دولت چه ضرر خواهد برد ؟ و پیش ازین در اینخصوص سخن نمبرایم و منتظر پاسخ دانشمندان و ظنیم مؤیدالاسلاما سخن بسیار داشتم - چون امیداست اختر سعد ایرانیان طالع و بازار ستم و استبداد کاسد و عاهای اعلام پیوسته توجه خود را درباره امور دولت و ملک و ملت دریغ فرموده و دست مستبدین و خاشین دین و دولت را از دستگاه سلطنت و کار ملک و ملت کوتاه دارند تا طریق مساوات در امور مجری و مرعی و کار دولت و ملک انتظام یابد - لذا در هر خصوص یاد آوری لازم میآید زیرا با رفته حقیقت از تصادم افکار بروز میباید ولی چه فایده که ضعف و کسالت طابع و چاره جز احتصار نیست

دولت خواه وطن دوست ( ر - ض )

### مکتوب از مصر

سلخ رجب سنه ۱۳۲۱

مؤیدالاسلاما - بقای روشنی چراغ عمر پادشاهان بسته بدعای خیر - و زوال حیات منوط بنفرین ضحفا است - اگر پادشاه قاعده عدل و انصاف مرعی داشته و بتزقیه حال خلق توجه مبذول دارد - صغیر و کبیر از صمیم قلب بدعای ارباب امتدد هستیش مبادرت نموده - از موافق فواید عمر و جاه کامیاب میکردد - و هرگاه آتش ظلم و جور بر افروزد خاص و عام سرین - و به ننگونساری قصر زندگایش پرداخته - درحالت شباب خرمن عمرش با پمال بارقه زوال گردد - حکایت درخت کهنی که از اثر فرین چند فردر مملکت چین از یاد درآمد مشهور است - هرگاه خلق کثیری بنفرین يك نفر کر بنهند بدیسی است که دیده وجودش غبار لود رمد نیستی شود - از آرایش سلسط تحریر این چند کلمه مقصود آنست که نخل عمل را ثمر مکافات دربار - و حقیقه هر نظیرا لیم یادداشت سیار است - فروشنده جنس هر شغل را بجای

کالای کردارش تسلیم گردد. و عملاً دستگاه هر پیشه  
بجزد کار خود ماقبت برسد. سالکان مسالك خیر اندیشی  
و صلاح را پیوسته روی نیت خاطر متوجه و مصمم  
آن باشد که هنگام طی مسافت اقامت زندگانی بمقتضای  
اشارت خضر عقل از دایره رفاقت کاروان احتیاط  
قدیمی منحرف ندارند. تا محک احوال بقوال بلایه نفسانیت  
گرفتار نگردد. مطامع سلامت جانشان بی آسیب ضرر و  
تقصان به بند در دستکاری رسد. فی الحقیقه شمع افروز  
بزمگاه خردمندی کسی را توان شمرد که از قرائت  
آیات بنات صحف غور و در تمیز حسن و قبح اشیاء استنباط  
سخطا و صواب اوامر و نواهی کرده. عقل را در جمیع  
مواد صراف قلب و رائج زر اعمال نماید. و مانند آن شبان  
عاقل سگ نفس را در سرس انقیاد و اطاعت در آورد.  
تا اغنام راحتش در چراگاه مرغزار فیروزمندی از  
آسیب گرگ بدستبرداری محفوظ و مصون بماند.

چون حضرت عیسی ابن مریم علیه السلام صدر صفا  
برتری و فوق برآمده گوهر وجود گرامیش از آب و رنگ  
گرامت و رسالت زین گرانمای و رتبه کامل عمارت یافت.  
ده زی در صحرا عبور مینمود. ملاقات حواریان در آن  
وادی روی داد که بجز آیدن و محافظت کلمه اغنام اقدام  
داشت. حضرت عیسی فرمود که ای شبان بدبختی است  
که خالق طبقات ارض و سما نوع انسان را بجهت تقدیم  
امور عبادت و تقییل عتبه فرمان برداری و اطاعت  
خاقت خلقت عطا فرموده. تا در مدرس تحصیل علوم  
و پیشه از ارشاد طبایع خردمندان درس نخوانند. و  
از مسائل قواعد حق شناسی و معرفت ذات واجب  
الوجود مسئله ندانند. از ادراک چگونگی این رتبه و الا  
بهره مندی حاصل نتواند کرد. و هرگاه کل و جزء و خاص  
و عام بر این تکلیف مأهول و مکلفند. چون است  
باوجود لاف اطاعت زدن فیوضات هنگام بهائیت  
و حق طلبی را چنانکه باید در نمی یابی. و چون وحوش  
و بهائم خلاصه عمر گرامی را در بیجودن نشیب و فراز  
این بیابان مصروف بیداری. چرا در معموره آمیزش

خلق در نیائی تا از سعادت و همتانهای خضر و ملاقات  
ارباب فراست و صلاح بسر چشمه آب حیات و  
برکات دوجوانی و درجات جاودانی رسیده. از حلاوت  
نعمت گوناگون توفیقات نامتناهی کامیاب گردی

شبان گفت. بای الله آنچه فرمودی حق و بیان واقعت  
نهایت من چند مسئله از قانون معرفت ذات باری و  
قواعد زندگی آموخته تمام عمر بدانها عمل مینماید. دیگر  
مرا بفرما گرفتن هیچ مسئله احتیاج نمانده است

حضرت عیسی فرمود. آن مسائل را بگوی تا بشنوم  
شبان گفت اولاً آنکه با خود شرط کرده ام که تا  
در مطبخ اکرام الهی دیگر نعمت داد و دهش رزق  
و روزی ارباب حیات در جوش باشد. من بمقتضای  
هرزه در آیههای نفس شوم باخدا نانی آرومی بدر  
غیر نریزم

ثانی آنکه. تا شکر راستی و دانست تمام نشود من  
لب مخنظل دروغ. خدمات نیالایم

ثالث. تا در گلشن حلال نشان برومندی باشد  
قدم بخارستان ارتکاب محرمات و نامشروعات نگذارم  
رابع. تا توانم از نشأته کیفیت می فرح افزای  
دوستی تر دماغ کردم هرگز خود را بدرد سر خار  
خصومت گرفتار نسازم

حضرت روح الله بچوبان گفت. مرحبا امره عاقل که  
هر آینه علم اولین و آخرین در تحت این چند مسئله  
مستودعست. فی الواقع مکاشفات رهپوز صدق و صدا  
که بجایه بن طایق کعبه رضا حوثی حقند از تعلیم  
علوم و کسب مسائل دینی و تهذیب اخلاق مراد و  
مقصود فرا گرفتن همین چند مسئله است. هرگاه  
کسی را زاد این مدعا توشه راه سفر حق طلبی باشد.  
البته حسب المرام طی مراحل اقامت سعادت نموده صحیح و  
سالم بسر منزل توفیقات جاودانی برسد

تواند طی کند مردانه راه ملک و ملت را  
کسی کز راه و رسم حق پرستی با حیر باشد  
اگر مرد عاقل از حجاب نفسانیت تواند در آید

و سخن مدبر انصاف را بگوش هوش بشنود هر آینه  
 میتواند از حواب گران مدهوشی و غفلت بیدار و از  
 مسق عری ، جهالت هشیار گردیده از فروغ بیضاء  
 تمیز و عاقبت اندیشی بزمگاه عاقبت و رستگاری را تجلی  
 و پرو بخشد (ع - ک - س)

مکتوب از اسلامبول

۱۰ شعبان ۱۳۲۱

مؤیدالاسلاما - برخی از بی وقوفان پیوسته از  
 تجاوزات همسایه گان شمالی و جنوبی ما سخن میرانند -  
 ولی چون از مسائل سیاسی دول و هوشیاری مأمورین  
 آنان و بیوفوقی و بلاهت برخی از درباریان ایران  
 آگاهی ندارد ارا وی بخبری حبه اظهارات دردمندانه  
 که ناشی از دولت رستی و وطن دوستی است به بیان  
 ما فی الصمیر می بردارد - هر آنکو آگاه و واقف است  
 میداند که از همداد سال قبل ما امروز هیچیک از  
 این همسایگان ما درباره ایران تجاوزات جبری اقدام نکرده  
 بر واضح است درین عالم هر کس از عقل و خرد  
 بهره دارد از ککنج باد آورد - و قبول تقدیمی  
 امتناع نخواهد نمود

آنچه از دست ما رفته نتیجه بیداشی و نمک بجرامی  
 درباریان غرض کار بوده - که از عدم کیاست و فهم حبه  
 حفظ مقام فریب خواهشهای دوستانه و مصلحتانه همسایگان  
 را خورده اند - صدراعظمی که از علم حقوق آگاه نباشد -  
 و جغرافیای سیاسی و پولیتیکی را نداند - و از منافع  
 دریائی آگاهی نداشته باشد - همی که دوستی با کمال لطف  
 اظهار نمود شا را با دریاکاری نیست و حق کشتی  
 رانی در بحر خزر برای شا منتر نمری نتواند بود -  
 اگر با واگذار شود مایه امتنان خواهد گردید  
 در کمال حق ناشاسی از روی جهل و نادانی میگوید  
 چون همسایه به آب شوری از ما خوشنود است  
 طان او باشد - تا ما او حقنه نباید

وزیر دیگر محض حفظ مسد خود سفیر و امین با  
 اطلاع دولتر جمهوری میباشد که همه گونه تکلیف دولت

انگریز را به پذیرد غیر از منزل من  
 وزیر دیگر بنام آنکه همسایه زحمت کشیده رعیت  
 دولت را تریبه نماید مملکت ترکستان و سرزمینی  
 مانند مرو را تقدیم همسایه میناید  
 یک بحمیت دیگر طاند فیروزه و گنبد قابوس  
 سرحد محتسبایی را می بخشد

یکی محض بینیری از مسقط صرف نظر میکند -  
 و دیگری ترک بلوچستان را اسباب استراحت فرض  
 میناید - و با امتیازات خانه برانداز که نتیجه اش عمو و  
 اقراض است بخوشنودی آنان میپردازد - که بر ماهیتشان  
 قرین و بر ذاتشان لنت باد

بلی همینکه زمام امور جمهور بدست خیانت بیوست  
 بی حمتان اقتصاد نتیجه بهتر از این ظهور نمی نماید - و  
 جی از هموطنان ما از عدم آگاهی چنان تصور  
 مینمایند - که در مملکت ایران و در دربار ملوکانه مردی  
 حکه بتواند قانونی حبه دربار دولت و آسودگی ملت  
 ترتیب دهد یا نت نمی شود - زهی تصور باطل

اولاً باید دانست قانونی از شرع مقدس محکمتر نتواند  
 بود - باید احکام قانون مقدس را بموقع اجرا در آورد

اس اساس جمیع قوانین رفع استبداد و اخذ اصول  
 مشورت است و موافق طیمت ملک و ملت ایران  
 وضع قانون شریعت خیلی آسانست و از برای هر  
 حکار و دائره همه گونه حدود و شروط در آن  
 موجودست (لا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین) شاهد  
 اینجدهاست - و مردمانی هم یافت میشوند که در کمال  
 سهولت از روی حقیقت میتوانند قانون شرع را مرتب  
 نموده و حبه هر دایره و دستگاه دستور العمل صحیح  
 بنگارند حرف در میل و خواهش درباریان و اعیالست  
 اگر درباریان بقدر عشری از اعشار ذات اقدس هابون  
 شهریاری میل و رغبت بوضع قانون و عمو استبداد میداشتند  
 پنج سال قبل قانون شرع در مملکت ایران جاری و ساری  
 گردیده بود - دسایس مستبدین و مفت خواران بیدین  
 مایه عمو و اضحلال ما گردید - و همه این زشقی ها عمر

و نتیجه حرص و طمع مسوفیان از خدا بیخبر و آخوندهای  
داس ستم پیشه است که بخلاف شعر خواجه عایه الرحمه  
که مینرماید

( دام نزویر مکن چون دکران قرآن را )

قرآن و کتاب - و شرح مستطاب را دام نزویر و قرب قرار  
داده - علمای اعلام ، اساطین دین را از آن کراهی  
بی آب و تاب ~~سکوده~~ کرده اند - مصلی ماضی باید دانست  
سر همه قانونها عدالت است - چنانچه نبی اکرم وقوع  
ولادت خود را در عصر بوشیروان میساید و ار کفر  
او سخن نمی فرماید - استبداد مانع عدل و راستی  
است - اگر و کلا از نفس پرستی صرف نظر و آخوندهایی که  
بدام کننده نگو ناماند از حضرت حجة خجرات کشیده  
طریق انصاف را پیشه و پیش از این راضی به  
تضییع نوع نفعه پیروی از مقاصد مقدسه ملوکانه  
و علمای اعلام و حمله دین اسلام نمایند - فوری بدون هیچ  
زحمت قانون شرع در مملکت جاری و ساری و همه گونه  
اسباب ترقی و افتخار حاصل میگردد - امیدواریم تدبیراتی  
که در عرض این چند سال جبهه هیئت اجتماعی روی  
داده هموم را مایه عبرت و تبه آمده و بلکه دل و بکزمیان  
طالب اجرای احکام شرع و قانون اساسی کردند  
تا در عصر این سلطان رؤف ترقی خواه از اینکرویه  
هولناک خلاصی یابیم

دوستدار وطن ( م - و )

مکتوب از مصر

( ۱۰ شعبان سنه ۱۳۲۱ )

شاهشاهان - گوهر مراد السائیت و پیروی احکام  
واجبه حق تعالی آنست - سکه کافه انام را هموماً  
و مشعله افروزان بزم شوکت و شهر یار برآ خصوصاً  
زیبنده است که بعد از تحقیق مرتبه معرفت ذات واجب  
الوجود حقوق عطیبات یزدانی را که موجب فوعلو  
درجات دنیوی ، اخروی است بجا آورده قدم نزول  
هرامتی از نیم زندگانی و حصول سایر اسباب دولت  
و کامرانی را بیپاس و شکری قرین سازد

چون طبقه ملوک و سلاطین که مرکز کمان مرحمت  
سبحانی و لذت یافتگان نعمت - مد حکمرانی اند از جانب  
کریم و ام الطایا بعتای و در نعمت زیاده ارسا برحق  
بهره بندی داده شده بیبهات لار لارم است که بدست  
از دیگران بزم اطاعت را بزمه پاس، دارای افروخته  
تا محالستان آن مواهب شامه را سرسر نعمت روالی  
گوشمالی داده بیاد عشق را هر - استقامت و مدار  
آرا افزایش و برقی بدید آرا

پادشاهان را عظیم رین شکر و بهترین عبادت  
آنست که قدر جلالت این نعمت که پادشاه علی الاطلاق  
ایشان را بر سر جبهی بندگان خود نافذ الامر و فرما فرما  
ساخته و تاج اقبالشان را از لالی تمام صمای (تونی الملک  
من تشاء و تمز من تشاء) ایب و ریبت افتخار داده  
بداند و در طریق تقدم این شکر به رافراحتی رأیت  
عدل و مروت سعی بمانند

زیرا عدل آفتابی است طلقات و - حاجان از باران  
رحمت شاداب - سکه فیض عام او بجمیع خلایق  
میرسد - هر پادشاهی که حرارت آتش ظلم پروانه سوز  
ظلمه و جبارین را بخت همایونی عدل و حمایت از سر  
رقابیت مجزه و بنوایان رفع نماید - و مرحوم خود رسی  
بزخم ناسور دل مشعله نشان داد خواهی گذارد  
هر آینه سرفرازی کونین نامزد اقبال و بخت مبدون او  
کردد - از آنجاست که در خبر وارد شده که ثواب  
یکنفس عدالت پادشاه عادل زاده از احربادت هفتاد  
ساله طابدان شب خیز است

نواب یکدمه عدل شاه خیر اندین

به از عبادت هفتاد سال عباد است

زیرا که عبادت شمی است که فیض تابش آن  
بنیر از همان کاشانه که هست بحای دیگر نشاند - فتح  
عبادت بجز صاحبش بدیگری نرسد - و عدالت حور شدی  
است که از مطلع هر نیت طلوع میکند خاص و عام  
از فیوض آن بهره مندی یابند



تاج استقلال شه عدل است عدل  
 آب و رنگ گلشن عقل است عدل  
 شهر یاریا که عدل و داد نیست  
 همچو شهری دان که او آباد نیست  
 چون کلد کوباه شه از عدل دست  
 باه اقبال او یابد شکست  
 شه درخت است و عدالت بار آن  
 نخل بی بر را برد باغیان  
 ای شه از عدل خدا اندیشه کن  
 بگذر از حور و عدال - پیاده کن

شاهنشاهی عدل گستره فیس لذتی که در نعمت  
 عدالت است در ماده عبادت نیست چنانکه مکالمه آن  
 زاهد حقایق بین - با آن پادشاه انصاف قرین صدق  
 این مدعا را نشان میدهد

یکی از سلاطین کامکار صدق شیم طلقه عجم را که  
 پیوسته دل پنا - و خرمن مزگاش در طلب طریق  
 رجا جوئی ایزد متعال - و خزانه عبودیتش از زر و  
 لالی اطاعت ربانی مالا مال بود - وقتی از اوقات  
 حزم صادقش را نیت کامل عیسار زیارت پیدافه  
 الحرام صلا داد - شوق طواف آنحرم محترم و  
 تقییل عتبه آن مرجع افتخار عالم و آدم که مجاهدین  
 شرع عتیدت را واسطه قرب بساط محبت اوست محرك  
 سلسله ارادتش شده - سالک نیت صدق آئین و قاصد  
 خاطر اخلاص بتش محمل آرزو بر نایفه همت بسته  
 برهنائی های خضر توفیق مصمم و جازم آن سفر خیر  
 اثر گردید - چون بارکان ملك و دولت و مقرین بساط  
 حریمت مصلحت آن اراده نمود - گفتند در هر نفسی  
 هروس ثواب حج اکبری صریح نشین حجله روزگار  
 شهریار باد - اگر چه این سفر بیمنت ارتسام را در  
 هر قدم عالم عالم سعادت اندی با انداز است - نهایت از  
 آنجا که شهریارانرا در هنگام اراده حرکتی حزم و  
 احتیاط عاقبت آن ضرور است - اگر پادشاه بمقتضای  
 صاحبشای ضروری تأملی در این باب فرموده بدانچه

موافق صلاح بوده باشد اجرا فرمایند بصواب تزیین  
 تر خواهد بود (باقی دارد)

مکتوب از نجف اشرف

۷ شعبان سنه ۱۳۲۱

در این اوقات غیر از خبر منزل امین السلطان تازه  
 نیست که فال هرص باشد - عموم اساطین دین مبین که  
 مرجع اسلامیان و مروج اسلامند از منزل امین السلطان  
 از ذات اقدس شاهانه تشکرها مینمایند - و بموجبی که  
 خواهش حسابعالی بود مکرر خدمت شان حاضر و  
 کسب فیض نموده عموماً گفتگو و فرمایش شان این  
 است که باید قانون اسلامرا اجرا داشت - و بعضی فرمایش  
 میفرمایند که حساب چهل کرور قرض باید داده شود  
 اخبارات طهران روزمره مثل تلگراف یا وحی بموم  
 میرسد - تمام همشان بر این است که باید قانون مساوات  
 که خلاف شرع نباشد در ایران فوراً جاری داشت  
 صورت تلگرافاتی که بحضور اعلیحضرت شاهنشاهی  
 علمای اعلام مخابره کرده بودند و در جریده حبل المتین  
 درج شده بود مطابق بااصل کردند بدون اختلاف بود  
 زیاده معتقد روزنامه مقدس شده و بیشتر خوشوقت  
 هستند که روزنامه حبل المتین مرخص و در ایران شایع  
 خواهد شد - در این باب هم خیال دارند که اقدامی  
 مجدانه فرمایند - کجا میباشند آن خائنین که علماء اعلامرا مانع  
 ترقیات دولت جلوه میدادند فرمایش عالیاست که همیشه  
 میفرمایند ما غیر از ترقی دولت منظوری نداریم چونکه  
 تازه رح نداده رانده مصدع اگر دیدیم

واسق حاجی آقا محمد معینالتجار را یقین میشناسید  
 مشارالیه از اشخاص محترم نزد صدر اعظم واقع شد  
 سی سال قبل که در نجف اشرف بود البته او را  
 دیده بودید - بتسازگی نوشته خانه را که در نجف  
 دارد تعمیر نمایند که عیال امین السلطان همین  
 روزها طرم عتبات و خودش نیز در خدمات آنان  
 وارد خواهد شد - مشارالیه یکی از جمله اشخاصی است که  
 سعایت نامه در هتک احترام علماء داشت محض صدر

اعظم - ولی از همه عداوتش بیشتر و کارش بیشتر بود  
 جلایم بمتنبات میآید باقی مطالب لازم شرح و بسط  
 ندارد - هما قریب بایسد قطب و آخوندی خانی دست بدست  
 داده نفاق عظیمی بین علماء اعلام خواهد انداخت چه در  
 افساد بد مولائی دارند - خصوصاً در صورتیکه بول صدر  
 اعظم را هم مثل زیگ بیسانند رادش حاجی آقا که  
 قوام التحصار لقب دارد وارد کانسین شده معین النجار  
 درین سفر محرمانه مأمورینی دارد که باید انجام بدهد  
 و آن رفع ارتداد صدر اعظم است غافل از اینکه علماء  
 نجف صکه حله دین اند هیچ وقت قرب اینگونه  
 اشخاص را نخواهند خورد راقم (م - و)

مکتوب یکی از خردمندان

### در اصلاحات ایران

#### ۷ - شعبان

جناب مؤیدالاسلام - چندیست روز نامه مقدس  
 در ماده اصلاحات لازمه ایران بحث مینماید - واضح  
 است بر هر يك از افراد ملت لازم که آنچه را در  
 راه صواب و طریق فلاح ملت و دولت خود میدانند  
 بذریعه نامه مقدس که لسان ملت و دارالشورای ملی ما  
 ایرانیان است اطلاع داده موضوع بحث دارند - اگرچه  
 اینگونه مقالات جمع و خرج زبانی است ولی چند  
 فائده بر آن مترتب می باشد

اول - حس ملت را متحرك ساخته عقول آنان  
 را سقتل میزند

دوم - مباحثه درین عناوین راه صواب را از  
 خطا مینماید - لامحاله سبب تنبه و تذکر ارباب حل  
 و عقد دوات علیه میگردد

سوم - بسا می شود دولتیان از یکی از آن آراء  
 سرمشق گرفته ترتب اثر و فائده بر آن می شود و این  
 غایت مطلوب است

نگارنده رای خود را قابل اندراج نامه مقدس  
 نمی شمارد - فقط بعضی آرائیکه از دانشمندان استماع نموده  
 عرض - هرگاه قابل دانند درج در نامه مقدس فرمایند

اصلاحات دولتی ایران دو قسم است - آری و آری  
 یعنی بعضی اصلاحات فوری است که بدون تمهید و مقدمه  
 دولت میتواند اقدام در اجرای آن نماید - و بعضی لازم  
 به تمهید و مقدمه است که مدارکش فوری مشکل بل محال مینماید  
 امروز الزم اصلاحات باشد ضروریات است  
 که دخل و خرج دولت هرچه تساوی را حاصل و یا  
 دخل برخرج افزون شود - تا مصارف تمام اداره حالت  
 بوقت معین و موقع معلوم داد شود - درین ماده هرگاه  
 سه اصول اختیار نمایند امیداست مقرون بکامیابی گردد  
 اول - نظم دفاتر دواتی - دوم - انتظام و رعایت  
 اصول محاسبی در اخذ مالیات - سوم - تا حدیکه امکان باشد  
 تخفیف در مخارج دولتی - تعمیل ماده اول و دوم  
 فوری دشوار است - ولی سوم که تخفیف در مصارف  
 بماند در کمال سهولت و آسانی امکان پذیر است - چون  
 تخفیف در مصارف داده شود چندی دولت را مهلت  
 بدست می آید که درصدد نظم دفتر و انتظام اصول اخذ  
 مالیات برآید - برای تخفیف در مصارف مسلك  
 مرحوم امیر کبیر میرزا تقی خان که در آغاز سلطنت  
 شاه شهید اختیار شده بود برای دوات بهترین سرمشق  
 است -

اولا آنچه موجب بی معنی و مستمری بیفائده  
 مردمان غلاش بیکار باسباب جینی در وزارت حاجی  
 میرزا آقاسی برای خود مقرر داشته بودند - و دولت  
 و ملت را بجای نفع نقصان میرسانیدند - کلیه قطع شد -  
 و از مستمریها و مواجب های صحیحه که ادایش بر  
 دولت فرض بود - وقتاً بعضی را ده دو و برخی را ده  
 دو و نیم کم کرد - تا اینکه دخل برخرج فزونی گرفت  
 و این اصول را دولت در هرصه سه ماه میتواند اختیار  
 نموده شالوده ترقی اداره مالیه را محکم نماید - ورنه با این  
 وضع حالیه دربار که اگر پنج شاهی برای دولت دخل  
 تازه پیدا شود - يك قران خرج جدید میتراشد ولو  
 اینکه دخل دولت ده نصاب امروزه شود همین آتی  
 در کاسه خواهد بود و هیچگاه دولت به هیچگونه اصلاحات

ملکيه و مليه موفق نخواهد گرديد - ولي در صورتيکه درين وضع موجوده تخفيف در مصارف داده شود - و ميزان خرج را برابر يا دخل مابند - و از آن بحد نیز مواجب و مستمرن بومعنی واقو برای احدی مقرر ندارد - پس از آنیکه قدام در سائر اصلاحات شود لامحاله دخل فزون گشته دولت مقتدر هر گونه اصلاحات ملکيه و مليه خواهد کردید

جميع دول در مقابل هر خرج مقرر دخل معینی قرار داده اند - مثلاً مالیت اراضی صرف قوای حربی دولت - دخل گمرک و پست در مقابل مواجب و مصارف خانواده - ملطنت و وزراء و درباریان - از عوارض و مالیات کسبه مواجب حکام و کارپردازان حکومت - از وجوه جریه شهریه اجزای بلدیهاز پابیس و غیره - از وجه فروش کاغذات دواقی و نمر سندات و غیره اداره عدالتخانه های دواقی - از وجوه تذکره اداره وزارت خارجه در گردش است و پس از صرف هر اداره آنچه راید ماند در خزینه دولت ذخیره می نهند چون جمع و خرج معین و مقابل شد هرگز نه دوات متأسل میگردد - و نه فریاد نوکر باب برای مواجب و تنخواه بلند می شود - حتی از محبوسین کار گرفته دخل پیدا کرده هم بدیشان خوراک میدهند و هم اداره حبس خانه را در حال انتظام میگردانند و مواجب رئیس و اعضا را میپردازند - چون جمیع ادارات تجزیه و خرجشان معین است اعضای هر اداره همشان در انتظام اداره خود و از دیاد دخل آن شعبة است چه بسیار کم اداره ایست در خارجه که دحاش کفای از خرجش ندهد - و اگر چنین اداره دیده شود و بر قرار گذاردن آن را لازم شمارند در آن صورت دولت کبود دخل آن اداره را از واردات خزینه متحمل می شود

دولت عایه را لازم است که بدو دخل خود را بمیزان معین آورده خرج آن بزرگ تر یا بهمان اندازه بترشد - هر مصرفی که درجه لزومش برای دولت پیش

است مقدم دارد - جمیع دول مقدم بر همه مصارف ملاحظه حال قشون و مخارج اداره حربیه را ~~که~~ اساس سلطنت بر آن قائم است مینمایند - برعکس ایران که مصارف اداره جهادیه را از هر مصرفی مؤخر داشته اند و نیز مذاقه فرمایند که در ادارات نوکر زیاد گذارده نشود - و اداره که بده نوکر میگردد دوازده نوکر نگذارند و اگر صد تومان مصارف ~~کفای~~ دهد صد و ده تومان صرف نشود صرفه جوئی که برای دولت پسندیده است از همین راهها و این گونه ملاحظات است

چون بدین وضع کارها انتظام شود - و خرج دولت از دحاش کم باشد - اعضای سلطنت همه تکلیف خویش را بدانند دولت را هیچ گونه پریشانی دست نخواهد داد - اندک اندک ادارات را ترقی داده مطابق قانون اساسی که عمماً قریب در ایران جاری خواهد گردید سر سبز خواهند شد - ورنه باسم اصلاحات دولتی اول بر پایا گفتن که فلان مقدار بدهاید - هرگز زیربار نخواهند رفت ولی اگر بوظیفه خواران وقت خور گفته شود فلان مقدار کمتر بگیرد هیچ آشوب و غوغائی بلند نخواهد گردید - لازم دارند میگیرند - لازم ندارند دوات بیشتر لازم دارد - و در حقیقت خلاف انصاف هست بجزیر و عنف از يك مشت رعایای بی چاره گرفته بجهمی کردن کلفهای بیچاره بی کار که يك فلس بحال ملك و ملت و دولت فائده ندارند داده شود

اما در اجرای قانون عقیده نگارنده این است که اسهل از همه آنکه - دوات بدو برای حکام و مأمورین و نمایندگان خارجه و داخله خود قانون مقرر دارد - همین که حکام بای بندی قانون را برخود لازم شمارند - رعایا بالتبع زیربار قانون خواهند رفت - پس از آنیکه رعیت دید حکم کاغذ بدون مهر و اعضای دولت را اجرا نمیدارد - و یا از شراب خوار هر کس باشد ده تومان جرمانه میگیرد و از حزیات چشم پوشی نیست و بواسطه کار از پیش نمیرود لابد پیروی و اطاعت احکام حکام را خواهد نمود - چه رعیت در

کارهای خود مجبور در رجوع بحکام میباشند و اگر عدالت و انصاف بیند مرکز مانعی بدروازه دیگری نخواهند شد و هیچگاه برخلاف برخی حکام عمل نخواهند نمود

هرگاه دولت و دولتیان اصلاح امور را بخواهند سهل و آسان است و اگر برای اسکات ملت و اغفال پادشاه است چنانچه دو قرن است بدین وضع شربالیهود میگردد باز هم خواهد گذشت

خیر خواه وطن ( م - ع - م - م )

### فرمانفرمای هند در خلیج فارس

§ صاحب اختیار فارس جناب عالی الدوله سردار برای پذیرائی فرمانفرمای هند از جانب دولت ایران به بوشهر رهسپار گردیده - جناب سالار معظم حکمران کل خلیج با کشتی دولتی فرمانفرما را تا دهنه خلیج استقبال خواهند نمود ( لارڈ رزن ) در سواحل عرب و بحرین و کویت بدوا رفته مشایخ و بزرگانرا ملاقی شده اوائل دسمبر در بوشهر خواهند رسید هر طبقه از ایرانیانرا اجازه خواهد بود که لارڈ کرزن را ملاقات نموده کشتیهای جنگی حق کشتی ( هاردنج ) که مرکوب شخص شخص فرمانفرماست بآشایانند

سفر دولت انگلیس ( سر آرثر هاردنج ) در ( شیف ) که قرب بوشهر است رسیده روانه مستط برای ملاقات فرمانفرما گردید - و با مسقط فرمانفرما را استقبال خواهد نمود و پس از راه نمایهای لازمه آنوقت وارد خلیج خواهند شد - ظاهرا سنیر مزبور پس از معاودت فرمانفرمای هند از خلیج فارس چندی در بوشهر برای انجام امور تجارت دولت انگلیس توقف خواهد نمود

روزنامه طمس بمبئی می نویسد که پس از انجام مسافرت فرمانفرما در خلیج فارس و جلب حقوق تجارتی و سیاسی دولت انگلیس آنوقت ما ظاهر خواهیم داشت که حقوق دولت انگلیس در خلیج فارس امری کوچک نبود که بتوان از آن چشم پوشی کرد

بعضی روزنامه خات تجدید خواهشیکه سفیر انگلیس ( لارڈ کلینف ) در اسلامبول از فرخ خان امین الملک منب اب بندر عباس و سپردن بسید سعید خان امام مسقط در سال ( ۱۲۷۴ ) نموده بود می نمایند - و می نویسند که چون بندر عباس هزاره زیر حکم و تحت اجاره امام مسقط بود - خوب است مجددا بمسقط واگذار شود - و یا باجاره اودهند - ولی از این آنگه غافل اند که دولت ایران با آنکه قبول تمام شرایط منحوسه آن صاحب نامه را در سال ( ۱۲۰۳ ) نمود این شرط را رد کرده قبول نه فرمود - و حال آنکه ایرانیان در آزمون بی بااهمیت بندر عباس نه برده بودند امروز که همه قسم اهمیت آن موقع را شناخته و دانسته اند که این بندر معتبر در آتیه از لك ممانکت وسیع زود خیز برای ایران اهمیت بیش و فائده اش افزون خواهد بود چگونه قبول این معنی را بی هیچگونه موجبی بوانند کرد - برخی علت عمده مسافرت فرمانفرمای هند را همین مسئله میدانند - ولی مهرون بصواب نباشد - ولی این نکته را نیز نمیتوان انکار کرد که فرمانفرمای هند درین مسافرت توجه تام به بندر عباس ندارد - در هر صورت سد سدید در جلو خیالات روس درباره بندرعباس کشیده خواهد شد - چه توجه تامه روس به بندرعباس و هرمز است - و دولت انگلیس هرگز رضا نتواند داد که دولت روس را درین مرکز اهم رسوخیت و نفوذی حاصل آید

§ اخبار ( سندگرت ) می نویسد که وکیل سیاسی دولت انگلیس را در خلیج فارس اراد بر آن است که در بحرین بندرگاه و انباری برای ذخیره ذغال سنگ تعمیر نماید - اخبار مذکور رأی میدهد که هر قدر این خیال با صواب زودتر از قوه بفعل آید در تجارت آن نواح مفیدتر واقع خواهد گردید - در این اوان هرچه در خلیج فارس قوت دو تجارت داده شود دولت انگلیس را نافع واقع خواهد شد - اخبار موصوف امنای بست و تلگراف را تحریک میکنند که خوب است

پستخانه و تلگرافخانه در (باسیدو) برقرار دارند.  
 ماده (اسفات) که جزو اعظم قوه برقی است در  
 بحرین یافت شد (اسفات) بحرین از (اسفات)  
 اروپا بهتر است و مناسبت می‌کند با (اسفات) که از  
 (تریداد) می‌آورند - عقیده جمعی از تجار انگلیس  
 این است که تجارت بحرین در این زودیا خیلی ترقی  
 خواهد نمود

### بقیه تلکرافات

(۲۷ شعبان - ۱۸ نومبر)

دولت فرانسه اطارت جمهوری (پناما) را تسلیم  
 نمود -

§ خبر (رونو) از (پیکن) خبر میدهد که اتحاد  
 دولتین چین و ژاپون هم‌روزه در از دیدوانتشاراست  
 حتی در ادارات رسمیه نیز این مسئله موضوع بحث  
 میباشد

§ امپراطور آلمان را هم‌روزه فوت جهانی پیش و  
 صحت زاید می‌گردد

§ پادشاه ایتالیا با زوجه محترمه شان در بندر  
 (اسنته) وارد - برساف ویلز ولیعهد دولت انگلیس  
 برای پذیرائی حاضر شده جماعتی صداها را بحسرت و  
 زنده باد پادشاه بلند کردند - از آنجا یکسره به (وندسر)  
 تشریف برده - پادشاه و ملکه انگلستان مهمانان عزیز  
 خود شانرا پذیرائی کامل فرمودند -

(۲۸ شعبان - ۱۹ نومبر)

§ اعلیحضرتین پادشاه ایتالیا و انگلیس در وندسر  
 تخلیه داشتند - امروز پادشاه ایتالیا بر قبر ملکه متوفاه  
 کل گذارده - از آن بعد در حنکلات (وندسر) ما  
 پادشاه انگلستان و برنس آف ویلز و دیوک آف  
 کنات و دو شاهزاده خانم شکار نمودند - در دعوت  
 رسانه که در عمارت (سینت جارج) از پادشاه ایتالیا  
 شد - لارلدنسدون وزیر خارجه انگلستان و تمام رجال  
 دولت و مستقرچربلین و هم رایان او نیز شرکت داشتند -  
 مستر بلفورده چون کسالت مزاج داشت نتوانست حاضر شود

§ پادشاه ایتالیا در مجلس مهمانی جام صحت اعلیحضرت  
 پادشاه انگلستانرا نوشیده بیان نمود که آما و یگانگی  
 دولتین ایتالیا و انگلیس بهترین بیک بحق من و اهالی  
 مملکت من است - چه جلب خدمت عملی ملت و دولت  
 انگلیس برای ملت و دولت ایتالیا سرمنشی نیکوست -  
 پادشاه انگلستان از آن پس که جام صحت پادشاه  
 ایتالیا را نوشیده یاد آوردند از ملاقات والد پادشاه  
 ایتالیا در لندن - پادشاه انگلستان فرمود که آنوقت  
 دولتین انگلیس و ایتالیا در جنگ بودند - ولی از  
 فضل خداوندی با منتهای امنیت و صلح امروز یکدیگر  
 را ملاقات نمودیم - و انشاءالله خیالات ایندو  
 دولت قویشوکت در میدان سلم خواهی همدوش  
 و همقدم حرکت خواهند کرد

§ وزیر خارجه امریکا با نمایندگان (پناما) معاهده  
 کامل در آزادی نهر (پناما) نمودند

§ وزیر خزانه امریکا در سیویارک ضمن تقریر خود  
 اظهار تأسف نمود که در ماده نهر (پناما) هر آنی  
 که میگذرد ما را یک گوه نقصانی است - بر ما لازم  
 بود قبل از آنکه کلنگ بزمن زیم تصفیه نهر (پناما)  
 را مینمودیم که برای ما مقابله با تمام تجارت هاست -  
 چه جهازات انگلیس از طریق رودخانه (کودهوب)  
 زودتر وارد میشوند - لذا ما را اشد ضرورت است  
 که نهر (پناما) را بقبضه اختیار خود آریم

(۲۹ شعبان - ۲۰ نومبر)

§ دیروز در (واشنگتن) معاهده نهر (پناما) را  
 وزیر خارجه امریکا و نماینده اطارت جمهوری (پناما)  
 دستخط نموده تمام اختیارات رودخانه من بوره بدولت  
 امریکا واگذار گردید

§ دولت امریکا منظور نموده که ده میلیون دالر  
 بحکومت (پناما) بدین شرط بدهد که حکومت مشارالها  
 در قرضه اطارت کولمبیا داده خویشتن را آزاد دارد  
 § پادشاه ایتالیا و زوجه محترمه شان از (پادنگتن)  
 بسفارتخانه خودشان رفته - پس از ملاقات سفیر خویش

بجانب (گیلهال) مراجعت نمودند - در (گیلهال) ولیمهد دولت انگلیس با زوجه شان و دیوک آف کنانت منتظر قدوم پادشاه بودند - مجلس مهمانی رساله خلی با شکوهی آراسته تناول طعام شد - و ضمناً پادشاه ایتالیا اظهار خوشنودی و مسرت از پذیراییهاییکه اهالی لندن از ایشان نموده فرمودند - از آن پس مراجعت به (وند سر) شد - در این مهمانی مستر (بلفورد) وزیر اعظم انگلستان نیز شامل بود

§ از معاهده نهر (پشاما) ظاهر میشود که نهر مزبور آزاد و برای عبور و مرور تمام اقوام کشاهه خواهد بود § سفرای دولتین روس و آستریا به بابمسالی اطلاع داده اند که اگر آخرین جواب آنان در ماده اصلاحات جدید مقدونیا در این چند روزه داده نشود - بدون واسطه رجوع باعلیحضرت سلطان خواهند نمود - و جواب مطالب خود را از ایشان طلب خواهند کرد

§ روز چهارشنبه فرمانفرمای هند و امام مسقط دید و باز دید رساله نمودند - سلوک و وضع سلطان و اهالی مسقط متجدد و دوستانه ظاهر شد - و یکی از طرف تجار هندوستانی مقیم مسقط شکایت به (لاردر کورزن) آورده که در ایام منازعه هر با خساره زیادی بر اموال آنان وارد می آید - فرمانفرما در جواب فرمودند که دولت انگلیس در معاملات اندرونی تصرف نمیتواند نمود - ولی همیشه برای حفظ جان و مال رعایای خود با تمام قوت موجود است و آنها را امیدواری داده که امام مسقط در این ماده شها را تأیید خواهد نمود

§ شهر مسقط را آراسته و آذین بسته بودند و در شب چراغانی منظم شد - (سرآر نهر هاردنج) سفیر دولت انگلیس عصر همان روز وارد و با لاردر کورزن ملاقات و مذاکرات نمود

(غره رمضان - ۲۱ نومبر)

§ رای مستر (سیدس) وزیر (نیوزلند) پس از ۲۵ ساعت مباحثه در دارالشوری بکثرت آراء منظور گردید

§ وزیر خارجه دولت انگلیس تا دیروز باز مشغول مذاکرات بودند از آن بعد با پادشاه انگلستان نیز ملاقات شده گفتگو نمودند

§ در ماده قتل یهودیان در شب که ماه اپریل واقع شده بود (۲۶) نفر یهودیان و یک کافر ایرانی ملزم قرار یافته (۵۶۹) نفر در محکمه که بطریق خفیه تدارک می شود گواه و شهود پیدا نموده اند

### اخبارات خارجه

§ کشتی (رومولس) که تاریخ (۲۶) ستمبر از (منیلا) حرکت کرده خبری از وی نرسیده مظارون است که آفتی بدو رسیده باشد

§ اخبارات چینی مینویسند که امپراطریس را اراده بر آن است که از بنک (روس و چین) قرضه جدیدی نموده امور تجارت و مایه خود را بطریق شایسته اصلاح نماید

§ امیرالبحر روس (الکس آف) خبری که در ماده منازعه ملاحین روس و ژاپون شهرت یافته بود تردید نموده است

§ روزنامه (کوب کراکل) می نویسد که یازده نفر بوکالت فرقه (تیرو دوشای خانی) نیم اکتوبر نزد (کونت کاتسوره) رسیده عرضداشتیکه با معضای سی و هفت هزار نفر بود تقدیم کرده در آن عرضداشت اظهار بود که دولت ژاپون جنگ با روس را بدون هیچگونه تأمل و درنگ معمم شود از جانب وزیر موصوف بوکلای مزبوره چه جواب داده شده در پرده استار است

§ روزنامه (کوب هرلد) از (ویجور) مینویسد که شهرت یافته دولت روس در (یانگامفو) مهینه تعمیر قلعه جدیدی را دیده و چهار هزاره توب نیر برای آن قلعه فرستاده افسران و سپاهیان روسی در لباس رسی خود کماکان دیده میشوند

§ بذریعه روزنامه (الوا) تا کنون هزار و دوست لیرای عثمانی وجه اعانه بدفتر راه آهن حجاز رسیده است

کلکته

حال کردی حکومت بنگال ازین قرار اعلان شده  
 ۲۴ نومبر ساعت هشت و نیم صبح زانگاه (هورا)  
 با قطار راه آهن مخصوص حرکت ۲۵ در (پوری)  
 رسیده دو روز توقف فرموده - ۲۷ در (کاتک) و  
 ۲۸ وارد (باسور) شده از آنجا عودت بکالکته  
 خواهند نمود

هراج چائی درین هفته نیز گرم بود با اینکه زین  
 و بعد در هر هراج جنس چای پست خواهد شد  
 امید نیست که قیمت تنزل نماید. امسال نسبت بسنوات  
 ماضیه چائی در روسیه زیاد رفته در حقیقت بازار چائی  
 را روسها بالا بردند

هوای کلکته حنک شده محمدالله از امراض همومیه  
 تا کنون شکایتی نیست

۱۱ مارچ ماه گذشته در (بشیرهات) مرشدی با یازده  
 مریدان خود خانه یکی از متمواین را غارت نموده  
 ده هزار روپیه سرقه برده بودند پس از تحقیق و  
 تفحص پلیس سارقین را با اسباب مسروقه در (کاهی)  
 که از مضافات (مدابور) است گرفتار کرده - مقدمه  
 شان در عدالت عالیپور دادر است

۱۱ ای - ام - پوری که یکی از ملازمین اداره بھری  
 بود - از وسط خط راه آهن عبور می نمود که بقتناً  
 قطار شمندر از روی او گذشته هلاکش ساخت

۱۱ یکی از سپاهیان قلم از درجه فوقانی افتاده  
 جان باخته است

۱۱ عدالت‌الدیه کلکته یوم چهارشنبه ۱۸ شهر  
 جاری باز شد - در ایام تعطیل تعمیرات لازمه نیز  
 شده بود

۱۱ برای توسیع عدالت‌المالیه دویمت هزار روپیه  
 حکومت منظور نموده زمین در پہلوی عدالت خریده  
 عمارت دوسرته خواهند ساخت و در هرصه یکسال  
 آماده خواهد شد

۱۱ برای نایب قمرای مقدویا دفتر اعانه در اسلامبول  
 باز شده صدر اعظم و بیخ الاسلام بدوا مبلغ معتنا  
 از کیمت فوت خود اعانه نموده اند

۱۱ در دتر عانه راه آهن محجاز تا بیستم جمادی الثانی  
 (۱۰۴۶ و ۱۱۰۳ و ۷۷۳ و ۵۴۰ و ۵۶۰)  
 سرود شده (۷۶۷ و ۴۶۸) موجود است

۱۱ در مصری ناحیه برداب تا کنون بالغ  
 بر پانصد ایرا بری انا ... آهن حجاز جمع نموده  
 فرستاده اند

۱۱ خبریه از (توکیو) رسیده ظاهره میدارد که دولت ژاپون  
 بنگ دواتی را خفیة امر نموده که (۳۰۰۰ و ۳۰۰۰ و ۳۰۰۰)  
 سکه (ین) بطریق دخیره آماده گذارد

۱۱ دولت ژاپون تمام قوه بھری خود را در قرب  
 (سانپو) آماده و مهیا داشته سرداران بھری ژاپون  
 منتظر امر ثانوی دولت اند

حیدرآباد دکن

۱۱ حکومت هند را اراده بر آن است که پست خانجات  
 نظام حیدرآباد را شامل پستخانجات مند فرماید -  
 ازین رو هیئتی مقرر شده که تدارکات این امر را  
 بطریق شایسته نماید - مهراجہ کشن پرشاد وزیر  
 اعظم حیدرآباد - سی واکر - ام جی ونلو - عماد  
 حکم - رگھوانتہ پرشاد - و رئیس پستخانجات دکن

سفر بیت‌الله

امسالهم مانند سنوات سابقه برای حجاج بیت‌الله  
 که از صوبه بنگال و بہار و اریسه عازم اند بندر  
 (چانگاؤن) را مقرر داشته اند

حجاج باید خود را در آن مقام معین رسانده ایام  
 فرعیینہ را بگذرانند حکومت اعلان داده که هرکس  
 بخواهد که رود صد روپیه برای صرف راه تا حده  
 و سی و پنج روپیه نیز برادر - مسافرت ازجده تا مکه  
 نماید همراه داشته باشد و آن مبلغ را نزد دفتر محکمه  
 حاج بدواً بپارند - سی و یکم نومبر اواین جهاز  
 از بندر چانگاؤن روانه حجاز خواهد شد

« جبل المتین کلکتہ »

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

« کلیة امور اداره »

امدیوکل مؤید الاسلام است

« منتظم اداره »

اقامہ جواد شیرازی است

« فردوشنبہ طبع »

( و سه شنبہ توزیع میشود )

« تاریخ دوشنبہ »

( ۱۰ رمضان ۱۳۲۱ هجری )

« مصادف »

« روزنامہ مقدس »

« قیمت اشتراک »

( سالانہ - - شش ماہہ )

« ہند - و برمه »

( ۱۲ روپیہ - ۷ روپیہ )

« ایران - افغانستان »

( ۵۰ قران - ۳۰ قران )

« عثمانی - و مصر »

( ۵ مجیدی - ۳ مجیدی )

« اروپا و چین »

( ۳۰ فرنک ۱۷ فرنک )

« روس - و ترکستان »

( ۱۰ منات - - ۶ منات )

# جبل المتین

سنہ ۱۳۱۱

« قبل از دریافت نمودن قبض اداره »

( ۳ نومبر ۱۹۰۳ میلادی ) ( خریداران نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نمایند ) ( ۱۰ منات - - ۶ منات )

« در این حریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی بحث میشود »  
« مراسلات عام المنفعہ مقبول و در انتشارش اداره آزادست »

## فہرست مندرجات

دورہ فرمانفرمای ہند در خلیج فارس • رونق  
افروزی فرمانفرمای ہند مرشارجہ • ورود فرمانفرما  
در بندرعباس • مکتوب از انزلی • تلکرافات • ترجمہ  
از روزنامہ نیوریسیای روس • ترجمہ از روزنامہ  
استپین انگلیسی • مکتوب از اسلامبول • تجارت  
روس و افغانستان • راپورت تجارتی ہند • مبادلات  
تجارتی روس و ایران • مکتوب مصر • افغانستان •  
مکتوب از پنجوان • مرگ از خوف یا خوف از  
مرگ • مکتوب از اسلامبول • بہاولپور • مکتوب  
طہران • نقل از روزنامہ شریفہ اطلاع • نقل از روز  
نامہ شریفہ مظفری • مکتوب یکی از دانایان • مکتوب  
طہران • مکتوب سامسون • کلکتہ

## دورہ فرمانفرمای ہند

### در خلیج فارس

ورود فرمانفرمای ہند را در بحر عمان و دید و  
بازدید ایشان را باامام مسقط ہفتہ گذشتہ نوشتہ بودیم -  
ہیجدم نومبر ہفتاد نفر از مشایخ بر عمان و امام  
مسقط در کشتی ( ہارنج ) از طرف فرمانفرما مدعو  
گردیدند - پس از فراغ از طعام شصت نفر دیگر از مشایخ  
و بزرگان بحضور لارڈ کرزن معرفی شدہ - نوزدهم در

کشتی ( آرکونات ) دربار پر شکوہی منعقد و با  
یکساعت قبل از ظہر بالغ بر سیصد نفر از مشایخ و  
عماید حاضر شدہ امام مسقط و امیرالبحر ایشان نیز در آن  
دربار بودند - امام مسقط در جانب راست فرمانفرما و  
سفیر دربار ایران و امیرالبحر ہند بجانب چپ ایشان  
قرار گرفتہ ساترین نیز ہر یک بمقام خود جای گرفتند  
بدوا یکی از وزرای امام مسقط خطبہ بزبان  
عربی از جانب امام قرائت کرد - از آن بعد فرمانفرمای  
ہند حضار را مخاطب کردہ نطق بلوغ پرمغز مفصلی داد  
( ما در موقع سخودہ نطقہای فرمانفرما را در دورہ خلیج  
فارس ترجمہ نمودہ با ملاحظات خودمان خواہیم نگاشت )  
در ضمن خطاب باامام مسقط نمودہ بیان فرمود - کہ من  
از جانب اعلیہ حضرت ادورد ہتم پادشاہ انگلستان  
تلکرافاً مأمورم کہ بوالا حضرت شاہ کہ سلطان مسقط  
میباشید نشان ( جی - سی - آی - ای ) دادہ باین عزت  
مفتخران سازم - از آن بعد دربار ختم شدہ لارڈ کرزن  
چند دقیقہ خلوت نمودہ لباس رسمی اعلیٰ نشان را در  
بر کمر کردہ امام مسقط را طاب و نشان را بدست  
خود زیب بیکر افتخار ایشان نمود - امام مسقط نیز  
ہودت بشر فرمود - عصر همان روز فرمانفرما از  
مسقط حرکت کردہ بجانب خلیج فارس رہسبار گردید



روزنق افروزی فرما فرمای هند در شارجه

فرما فرمای هند بیست و یکم نومبر رونق افروز (شارجه) شد. (کرنل کمال) نمایندنده دولت انگلیس در خلیج فارس (میسو - کاسکین) مأمور سیاسی دولت مشار الیها در بحرین - و سایر مأمورین و همراهانشان از کشتی بچک آمده بدارك انفساد دربار را در کشتی (آرکونا) نمودند - لاردرکزن و همراهانشان در کشتی (آرنوات) رفته جمعی از بزرگان و مشایخ (شارجه) در آنجا معرفی شده چنانچه در مسقط انتظام دربار شد در آنجا نیز منفذ گردید - شیخ (بوسی) با دو فرزندانش - شیخ (شارجه) بادبیر خود و فرزندانشان - شیخ (احمن) و شیخ (ام النورین) نیز معرفی شده از آن بعد هر يك بجای خود قرار گرفته لاردرکزن تسریر فصیحی بزبان انگلیسی نمود - مأمور بحرین ترجمه نطق عربی فرما فرما را برای شیوخ وراثت - سرد - از آن بعد تحب و هدایا از جانب فرما رسیم شد - بهر يك از شیوخ يك شمشیر و يك ساعت و رنجبر طلا مرحمت - و به شیخ زاده ها يك لیوالور اعطا گردید پس از ختم دربار فرما فرمای هند رهسپار بجانب بندر عباس شد

ورود فرما فرمای هند در بندر عباس

قبل از ورود (لاردرکزن) به بندر عباس جناب سالار معظم حکمران کل بنادر و جزایر خلیج فارس از جانب دولت علیه ایران برای پذیرائی این میهمان محترم وارد شده - رسماً از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی تهنیت ورود فرما فرما را گفته - احوال پرسى نمودند - از آن بعد سالار معظم با فرما فرما ملاقات نموده - صوراً نیز از جانب اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ورود ایشان را تبریک گفتند - سعیر دولت انگلیس (مستر هاردنج) و وزیر خارجه هند (مستر وین) سالار معظم را از جانب فرما فرما باز دید نمودند - جایگاهی که برای فرما فرما در بندر عباس معین شده بود بسیار

آراسته و مزین بود - و تمام شهر و دامها را نیز تزیین و آرایش داده بودند

قبل از حرکت فرما فرما از بندر عباس تجار هندی و رطایب دولت انگلیس هیئت مخصوصی را با خطابه خیر مقدم در کشتی (هاردنج) فرستادند فرما فرما در جواب آنان اظهار تشکر نموده نطق بلینی بر معنی داد - در آخر نطق خود فرمودند که من با خواهش شما همراهم و این امر بسیار مفید است که ابواب مغایره شما با تمام عالم باز شود - و خیلی خوشوقت خواهم شد هرگاه دولت علیه ایران مرا در انجام این امر اجازه فرماید

مکتوب از انزلی

۱۳ شعبان ۱۳۲۱

شاهنشاه هراة اعظم (عضدالسلطان) حکمران گیلان وطوالش در ۲۸ رجب ما دبده و کویکه تمام وارد گیلان گردیده - در مرکز حکمرانی رشت جلوس فرمودند - از قرار معلوم آنتزین و ککاب از وزیر و پیشکار و وزیر تجارت و سیاست و فراش باشی و منشی و دیور و غیره تماماً از مردمان با دانش اند - تاکنون حکمرانی به این جلالت و عظمت به گیلان مأمور نشده بود - انشاءالله در حکمرانی ایشان بعضی نواقص اصلاح خواهد پذیرفت . . . . .

امروز که ۶ شعبان است نفس احتشام الملك را از لندن وارد انزلی نمودند منوقای مشارالیه گویا برای معالجه بفرنکستان رفته بود - و در آنجا داعی حق ربیبك اجابت گفت (بهر کجا که روی آسمان همین رنگ است) خدایش بیامرزد

تا کرافاً خبر رسیده که جناب حاجی امین الدوله حسب الامر هاپونی از بمبرخان شوره حرکت و به بندر بادکوبه نزول اجلال فرموده همه شعبان که دو روز بعد باشد وارد بندر انزلی و یکسر بجانب طهران رهسپار خواهند گردید

تکرافات

(خبره رمضان - ۲۱ نومبر)

§ دولت اتا زون کشتی جنگی خود را که برای حفظ رمایای خویش در اغتشاشات (بیروت) فرستاده بود چون امنیت برقرار شد حکم بمرکت داد  
 § (مستر چبرلین) ضمن تقریریکه در (گاردیف) نمود بر اصلاح کمرکات بحث کرده صاف اشاره کرد که آزادی تجارت مجرم است

§ اعلیحضرت پادشاه و ملکه ایتالی از لندن بجانب (روم) حرکت کردند - نایب وزارت تجارت در خدمت پادشاه موصوف تمجید زیادی از عملجات ایتالی نموده - پادشاه در جواب فرمودند که مزدوران ایتالی همواره نیکو کار بوده اند

§ (مستر چبرلین) در ضمن لطق خود در (سیوپورت) خطاب به عملجات و مزدوران نموده بیان کرد که من هرگز بجای نخواهم نشست - تا اینکه در ممالک انگلستان عملجات را جایگاه منبع و دست مزد کامل داده شود - مرا هیچ گونه پروا از اختلاف مخالفین در ماده آزادی تجارت نیست چه نتیجه تعرفه کمرک آلمان را اداره کمرکی (کنیندا) حاکم است که باید (سرتکس) آلمان نصف شود

§ بیگم (بهوبال) که رهسپار مکه معظمه شده بود وارد جده شده و بجانب مدینه منوره حرکت نمود - برای حفظ شئون ایشان نگاهبانان خاص از جانب حکومت فدر رکابشان موجود است

(دوم رمضان - ۲۲ نومبر)

§ اخبار نیم رسمی (روم) می نویسد - که تلافی پادشاهان ایتالی و انگلیس ظاهر میدارد که اتحاد دولتین مشتملینها خیلی محکم و بزودی نمرات نیکو خواهد بخشید  
 § ملکه روس زوجه اعلیحضرت امپراطوری مبتلا بدرد گوش بسیار سختی شده تاکنون قوای ایشان مصحح نشده است

§ در (ضمیرحصار) جنگی سخت بین باغیان و

لشکریان عثمانی پیش آمده سی و یک هزار قشون عثمانی مقتول و جهل و هفت هزار مجروح گردیده اند - از آن بعد کک قشون عثمانی رسیده باغیان فرار نمودند  
 § رئیس جمهوری (کولمبیا) در خطاب با اهالی امریکا ظاهر داشته و آنها را مطمئن ساخته است که حرکات امارت (کولمبیا) برخلاف (پناسا) ابداً برهمن معاهده (مستر روزی ولت) با (پناسا) نخواهد بود

(سوم رمضان - ۲۳ نومبر)

§ سردار انگلیس در (سومالی لند) با چند دسته قشون از (هوتل) حرکت کرده بدون زحمت و مانع در (گلادی) رسیده (کرنل کوب) را برای حفاظت آنجا گذارده به (هوتل) معاودت کرده است - تا بیستم شهر حال بطرف ملا پیشقدمی نخواهد شد

§ بموجب خبریکه از مجمع الجزائر فلبائن رسیده اهالی (مورو) که بالغ بر دو هزار نفر بوده اند در مقام (جولو) بیسایگیری برخاسته قشون امریکا سیصد نفر آنان را بقتل رسانیده است - درین مقابله قطشش نفر از امریکائیان مجروح گردیده اند

(چهارم رمضان - ۲۴ نومبر)

§ بموجب تلگراف رسمی که به پترزبرگ رسیده دولت ژاپون کشتیهای جنگی خود را برای جلوگیری دور کشتی جنگی روس (بیان - و زارویج) در بندر آرهر روانه داشته است

§ درین ماده از سفیر ژاپون در لندن سؤال شده جواب داده است که رسماً او را در این موضوع خبری نرسیده - همین قدر میدانم دولت ژاپون منتظر جوابیست که از روس ناو برسد

§ بر طبق این خبر روزنامه (نکاساکی) می نویسد که دوازده کشتیهای جنگی ژاپون از (جاسجو) حرکت کرده بکجا و بجه مقصد معلوم نیست - این امر ظاهر بود که ورود این دو جهاز جنگی روس در دریای چین عظیمی انقلاب زیادی در عوام سیاست خواهد انداخت

§ وزیر خارجه فرانس (مسیو داکسی) در مجلس شوری اظهار داشت که آزادی (مراکو) برای فرانسه فائده اش بیشتر است

§ بواسطه انقلابیکه در (امارات) جنوب افریقا واقع شده دو دسته از قشود انگلیس را در (کبرلی) حکم رسیده که مستعد باشند هرگاه ضرورت پیش آید برای مرکوبی باغبان حرکت نمایند (پنجم رمضان - ۲۵ نوامبر)

§ شمس دیوانه بافنگ خود را با طاق رئیس (بشنگ انگلند) در لندن رسانیده چهار تیر بجانب او شلیک نموده همه خطا کرد و بایس او را گرفتار نمود § اسباب استندرد را در (پیت سن) خبر رسیده که دولت روس قضا (ببجای) که سی میل فاصله تا (پیر بوالک) دارد متصرف شد

§ دفتر ارعصی در ای ملی انگلستان وهشتاد نفر از بی عوری من سه مدت لندن و جماعتی از عورات مرور از لندن به فرانس حرکت کردند - در پاریس مهمان اعصای شورای فرانسه خواهند بود - و پس از سه روز از پاریس بجانب (باردیاکس - مارسیل - لیانس - نیس - ومونت کارلوی) رهسپار خواهند گردید § در اسلامبول مجلس سفرا تا دیری از شب گذشته انتظار جواب بابعالی را می کشیدند - آخر خبر رسید که بابعالی نام مجوزه اصلاحات روس و آستریا را من باب مقدونیا قبول نموده مشروط بر اینکه توهینی از دولت عثمانی نشود

§ درد گوش ملکه روس شدت نموده پاندازه ایشان را زحمت میرساند که شب خواب و روز آرام ندارند § چون آواز امپراطور آلمان بعد از عمل جراحی درست باز شده بعضی جراحان را عقیده بر این است که مجددا باید اعمال جراحی را تجدید نمود § هیئت که از لندن به پاریس رفته بود - در پاریس آنها را استقبال و پذیرائی شایان نمودند § وزیری امریکا با سلطان زمگبار قرار داده اند

که وجه مختصری در گذشتن کتبههای امریکا برای راه تانی از آنها وصول شود (ششم رمضان - ۲۶ نوامبر)

§ هیئت که از لندن بیساریس رفته بودند با (وزیر گمرکات) فرانس ملاقی شده در دعوت آنها نیز شرکت داشته است

§ (جنرل مانسک) سردار انگلیس در معاودت به (بهوتله) با دولت روس و بیست نفر از پیروان روسی مقنوز بر خورده شش نفر آنان را کشته و سوهفت نفر زیادی نیز بدست آورده است

§ قبل از آنیکه دولتین روس و آستریا اقدام در اصلاحات مقدونیا نمایند - باعالی از ایشان خواست نمود که اندک تبدیلی در مجوزه اصلاحات خود بدهند دولتین روس و آستریا ازین معنی نا و امتناع نمودند (هفتم رمضان - ۲۷ نوامبر)

§ هیئت که از انگلستان به فرانس رفته در پاریس آنها را خیلی احترام کردند - رئیس جمهوری فرانس با جماعتی از آنان ملاقی شده از طرف عامه دعوت مهمانی شایانی از ایشان شد - و از طرفین تقریرهای محبت انگیز نمودند و هرق محبت ملی را بیشتر متحرک ساختند § روزنامه (مارشک پست) خبریکه ژاپون راضی شده روس در عوض (منچوریا) قطع تعلقات خود را از کوریا کند تردید می نماید

§ وقایع نگار (دیلی تلگراف) از شنکائی خبر میدهد که حکام و فرمانفرمایان سیزده صوبه ما و رای (چیلی) دولت چین اظهار داشته اند که نود هزار قهون بتائید دولت آسانی میرسانند که دولت مشارالیه اقدام نموده دست تصرف روس را از منچوریا قطع نماید

ترجمه از روزنامه نیویورکیای روس - خبر روزنامه (نیویورکیا) از طهران خبر میدهد که تجارت دولت انگلیس از طریق رود کارون ما اصفهان بواسطه راه روسیه که ساخته شده خیلی ترقی کرده و رجات همان نزدیکی طریق امریکه نسبت

براه بوشهر و شیراز تا اصفهان - و بتاریکی دولت انگلیس را اراده به تعمیر راه شوسه از بوشهر تا شیراز و اصفهان نیز میباشد

اخبار مزبور می نویسد که انگلیسان را اراده بر آن است که راه شوسه مرستان را از شوشتر و دزفول و خورشید آباد و سلطان آباد تا طهران متصل نمایند - دقتی که برای تعمیر این راه انگلیسان را در پیش است همانا خرابی طریق و بی انتظامی بین خورشید آباد و دزفول است چه در آن اراضی ایلات وحشی سکونت دارند اخبار موصوف مینسگارد - که مارا بطریق وثوق خبر رسیده که دولت انگلیس در رام نمودن مردمان شرور آن سامان و ایلات ناهنجار آن نواح از بذل مال و منال هیچ دریغ نمیدارد - و بزور پول آنان را طرف دار خود ساخته در انجام مقصود می کوشد - اگر چه هنوز انگلیسان را در کامیابی این طریق اطمینان نیست - ولی از برکت سعی و کوشش کامیاب آنان حتی الوقوع است - و بواسطه انتظامی که انگلیسان از تعمیر انبار و غیره بین دزفول و بروجرد نموده و می نمایند مالالتحصاره آنها بسهولت و عجزات میتواند حمل و نقل شود

اخبار مذکور با کمال در شوق می نویسد - که بخشی که دولت انگلیس در معاملات ایران پیش آمده و می آید صما قریب آن موثدی که در تجارت دولت روس را امروزه از ایران حاصل است همه بانگلیسان باز گشت خواهد نمود

لذا دولت روس را لازم است بهر تدبیر که میسر شود در رسوخ و نفوذ خود در جنوب ایران اقدام با عجزات نماید قبل از آنیکه وقت فوت شود و صید از دام برسد - هنوز برای دولت روس وقت باقی و موقع در پیش است هرگاه دولت انگلیس بساختن این راه ها مقضی المرام گردد - نه فقط در جنوب و وسط ایران شکست در تجارت روس خواهد انداخت - بلکه در شمالی ایران نیز برای ما تجاری باقی نخواهد ماند

ترجمه از روزنامه استیسنانگ

و صالح و سلم شهرت دارند - ولی مقام تأسف انجاست که از حرکات روسیان هیچگونه آثار صالح و امنیت نمودار نیست - بتازکی از حطی که از شخص امپراطوری بمجلس شورای روس رسیده ابتدا آثار صالح خواهی و امنیت حوثی استشام نمی شود - چون کمنگوی اتحاد دولتین فرانسه و انگلیس در میان آمده چترطا و امیرالبحرهای روس امپراطور خود را مجبور محکم نمایند این است که دولت مشارالیه با منتهی سرعت قشون بری و نهری خود را با آلا وادات حرب نزد (الکس اف) در اقصای شرق گسیل میدارد

در ماده تجارت نیز خیالات دولت روس امنیت و صالح را می رساند - قبل از آنیکه روس خود را بافغانستان برساند راهی برای تجارت بین هند و ترکستان گشاده بود - انک در (کاسک) گمرکی نهاد که در متن واقع یک مرتبه باب تجارت هند را در آن نواح سدود ساخته - و نیز تجارت انگلیس را در این نواح براه عرقه گمرکی که خود او ترتیب داده بود ضرر فاحش رسانید - دیپلوما می روس در بیانات خود خیلی ملایم و نرم معلوم میشوند - ولی بزودی ظاهر خواهد شد که چه قدر خرابیها و بر بادیهای بین برای تجارت عمومی آنان را مد نظر بوده و هست

مکتوب از اسلامبول

آرخانه یکی از دانشمندان

(غره شعبان سنه ۱۳۲۱)

در نخستین شماره سال یازدهم مورخه ۱۴ شهر جدی الثانیه (۱۳۲۱) شرحی دایر به مسئله استقرار دولت عالیته ایران از دولت روس در محایف روزنامه محترمه ملاحظه گردید - چون بعضی مطالب آن از روی صحت نوشته نشده لازم دید اطلاعات خود را در این باب بنویسد - هر گاه صلاح دانید برای دفع اشتباه

اخبار روسی روس نوشته شده با یکدرجه صحیح است -  
لیکن اهم مطالب آن نوشته نهدنه و آن این است -  
که دولت علیه ایران با دولت روس شرط نموده سکه  
مدت از اقصاء مدت ده سال حق ادای کلیه وجه  
قرض را داشته باشد - و امسال سال چهارم است  
سکه از مدت مزبور گذشته - یعنی دولت علیه ایران  
پس از اقصاء مدت شش سال دیگر میتواند وجه  
استقراضی را تأدیه نموده طلب روس را تمام و کمال  
به پردازد

کسانیکه تا این درجه در این امر کجکاو  
کرده و مسئله استقراض را خواسته اند به سوء نتیجه به  
عموم فہمائند - و اظهار داشته که دولت علیه ایران  
بواسطه این قرض تا مدت هشتاد و پنج سال دیگر  
دستش بسته و اسیر دولت روس میباشد - خوب است  
از حالا تدبیر حراید افراد ملت ایرانیه را تشویق و  
راه ہائی کنند که تا شش سال دیگر این وجه را جمع  
آوری کرده بدوات خود قرض دهند - و دولت ہم  
تعمه قرض روس را بدهد - تا ملت ازین استقراض  
بخارجہ رہائی یابد

واضح است که در این صورت این مبلغ را افراد  
ملت از خود دولت علیه طلبگار خواهند شد و ہر نفی  
کہ بخارجہ باید بشود برعیت داخلہ باید خواهد گردید  
و نیز ہماره وقایع نگاران نامہ مقدس مینویسند  
سکہ دولت علیه ایران در این مدت قلیل مبلغ  
یست و دو ملیون و بی قرض را چه سکرد و بچہ  
مصرف رساند - بجای آنکہ مصرف قرض را معین  
نمایند تا ملت مطلع باشند کہ دولت علیه از چه راه  
مجبور باستقراض شد و وجوہات استقراضی را چه  
کرد ہمیشہ مینویسند اولیاء دولت علیه وجوہات قرض  
را تصاحب کرده صرف لہو و لولہ نمودند - این مطلب  
ہم معلل بہ غم رس شدہ - و خوبی عدم اطلاع یا غرض  
نویسندگانرا آشکارا میدارد - بہر آن است در این قبیل  
مطالب بدون هیچ غرض و مرض و با کمال بی طبری

عنوان مطلب بطور کہ مبادا در بعض نقاط کہ مردمان  
با اطلاع مستند موجب استہزاء و تمسخرشان گردد  
لہذا بعض اطلاع مطالعہ کنندگان و رفع اشتباہ  
از نویسندگان می نگارم - کہ اول باید دانست بچہ دلیل  
و برای چه مصرف دولت علیه ایران محتاج بقرض  
شد - و در صورت لزوم قرض چرا دولت روس  
را انتخاب کرد - و تمام وجه مزبور را از آن دولت  
گرفت - و پس از آن بکدام مصرف رساند - ہمہ کس  
میداند کہ تا چهارده سال قبل دولت علیه ایران دیناری  
ببچہ دولت مفروض نبود - و ہوارہ امور مالیتہ مملکت  
ہم بخوبی می گذشت - و جای شکایت و گلہ از برای  
کسی نماندہ بود

ولی چنانچہ معلوم عموم است ہمین سکہ در  
چهارده سال قبل مسئلہ رژی عیسان آمد و دولت  
علیه ایران مجبور از منموخ نمودن ادارہ مزبورہ شد -  
لابد گردید سکہ مقداری زیاد مطالبات و خسارات  
رژی را بدهد - و در همان زمان قرار بر آن شد کہ  
دوات علیه ایران بر حسب اجبار از بابت مطالبات  
رژی مبلغ پانصد ہزار لیرہ انگلیسی بکمپانی انگلیس  
تسلیم نماید - چون این وجہ در خزانہ موجود نبود  
کہ نقداً تأدیه شود - اول قرض دولت علیه بہ بانک  
انگلیس شد - کہ مقرر گردید ہر سال با معاملہ صدی  
عش جزئی از آن بطور قسط ببانک انگلیس تأدیه شود  
تا مدت دو سال مطابق قرار داد دولت علیه ایران با آنکہ  
در آن سالہا در منتهای قلت دخل بود توانست مقداری از  
وجہ مزبور را بپردازد - پس از آن بہ هیچ وجہ نتوانست  
از عہدہ ادای از مبلغ بر آید - و رقتہ رقتہ این قرضہ  
بافرعش بالغ بر ہفت کرور تومان گردید

علاوہ بر آن پس از رحلت اعلیحضرت شاہنشاه  
شہید نوراقتہ مصعبہ برای تشریف فرماتی موک مسعود  
اعلیحضرت اقدس مظفرالدین شاہ بطہران و بخارج قشون  
و غیرہ مبلغی ہم از بانک شاہنشاهی انگلیس قرض کردند -  
در همان اوقات مقداری ہم ابتیاع اسلحہ نمودند - و بطنی

بنابر اولیله و درود اعلی حضرت هائونی به طهران  
سوف مواجب معاش و نوسکر یاب و عسکر و غیره  
گردد. و چون در خزانه وجهی نبود تمام این مصارف  
را محتاج به قرض بودند. و همین منوال در اندک زمانی  
قرض دولت علیه ایران به بانک انگلیس متجاوز از نه  
کرور تومان شد. و سوای این قرض دولت علیه  
مبلغ دو سکرور هم به بانک روس در طهران - و  
معادل همین مبلغ هم به تاجران طهران مقروض شد. و  
صدی یازده الی صدی ۱۸ نیز تزیل آنها را میبایست  
ادا نماید.

در این بین دولت انگلیس به بهانه این که در مقابل  
طلب خود از دولت علیه گرو و تأمین ندارد. بلکه  
اراده توپ و پوست و پنج سرباز به بوشهر آورده -  
اظهار داشت که تا دولت ایران طلب او را ادا ننماید و  
قرض خود را بدولت انگلیس نپردازد. توپ و عسکر  
را از بوشهر بیرون نخواهد برد. و همین مطلب را  
مکرر در روزنامه مقدمه مندرج داشتهاید و مطالعه  
سکندکان عموماً مسبوق بآن میباشند. و اطلاع از  
سخنگیری دولت انگلیس برای تأمین طلب خود از  
دولت علیه ایران دارند. و همین طریق دولت روس  
هم بعد از مشاهده اقدامات دولت انگلیس ادعای  
تأمینات نموده خواست در بنادر بحر خزر عسکر  
بنشاند. و طلب خود را از دولت علیه وصول نماید.  
لذا دولت علیه ایران که کار را سخت دید  
و ناچار به برداشتن توپ و سرباز از بوشهر و جلو  
گیری عساکر روس از دخول به بنادر بحر خزر شده  
خود را مجبور به استقراس از خارجه دید. و در این  
خیال تصمیم رأی نمود. در ابتدای امر مسیو کتابچی  
خان از طرف دولت علیه وکیل شده و مأموریت  
گرفت که از بانکهای فرانسه و هولاند و بلژیک و غیره  
وجهی برای ایران قرض نماید. مشارالیه مدتی در این  
کار افتاد و زحمات کشید. ولی از اقداماتش نتیجه حاصل  
نگردید. و کاری از پیش نبرد. دولت علیه ایران که کار را

این قسم دید وزیر مختار پاریس و سفیر وینه را وکیل  
کرد که رسماً از بانکهای دولت فرانسه قرض نمایند  
و کتابچی خان هم بسبب معاونت با آنها معین شد. باز  
هر قدر کوشش کردند کاری از پیش نبردند. تا اینکه وزیر  
مختار (وینه) مأیوس شده از این کار دست کشیده به وینه  
مراجعت نمود. مجدداً وزیر مختار پاریس با معاونت  
کتابچی خان با بانکهای پاریس داخل مذاکره شده  
و خواسته بودند مبلغ شصت میلیون فرانک را که معادل  
بایست و دو کرور و نیم تومان است از دولت فرانسه  
برای ایران قرض نمایند. بانک پاریس قرض را قبول  
کرد ولی ادای وجه آنرا مشروط به ضمانت دولت  
روس نمود. این خبر که بدولت ایران رسید. از دولت  
روس خواهش کرد بدولت فرانسه اطمینان دهد.  
دولت روس جواب داد در اجرای این خواهش  
دولت ایران حاضریم. و به فرانسه ها ضمانت میدهم.  
ولی دولت ایران باید اختیار تمام گمرکات خود را  
بهبه ما واگذار نماید. تا از طرف خودمان نظری  
گذاشته گمرکات را وصول نموده قرض دولت فرانسه را  
بپردازیم. و اضافه آنرا بدولت ایران تسلیم نمایم. دولت  
علیه ایران دید که کار خیلی سخت است و نمی شود زیر  
این بار تحمیل روس رفت. این دفعه از دولت انگلیس  
خواهش این قرضه را نمود. انگلیس هم چنانچه البته  
اداره محترمه روزنامه مقدس مطلع است شرایطی پیش  
آورد و تأمینانی خواست که قبول کردن آن از طرف  
دولت علیه ایران خارج از قوه امکان بود. چنانچه رئیس  
سابق بانک شاهنشاهی ایران که در آن وقت اجزاء  
پارلمنت انگلیس بود این مطلب را در پارلمنت اظهار  
داشته و دولت انگلیس را از آن همه تکلیفی که برای  
استقراس بدولت علیه ایران ابراز داشته بود ملامت  
نمود. و سه سال قبل تمام روزنامه های دنیا نوشتند  
بجمله آنکه تکلیفات و تحمیلات دولت انگلیس بدولت  
علیه ایران در باره استقراس مجددی بود که دولت علیه  
ایران تمکین آنرا نتوانست نمود (باقی دارد)

**تجارت روس و افغانستان** -  
 سفیر دولت انگلیس مقیم دربار روس رپورت داده که آغاز تجارت روس با افغانستان در سال (۱۸۹۵) میلادی بود - در آن سال اتمه که از افغانستان بخاک روسیه رفت (۲۴۸۵۸۴۲) منات بود - اندک اندک زیاد شده تا در سال (۱۹۰۱) میلادی (۲۹۵۱۸۰۹) منات رسید  
 در سال (۱۸۹۶) مالالتجاره که از خاک روسیه وارد افغانستان شد (۹۰۶۵۷۱) منات بود - و در سال (۱۹۰۱) اتمه روسیه که با افغانستان رسید (۱۱۹۶۸۲۹) منات بقلم آمد - از روی یزائید تجارت روسیه در این پنج سال در افغانستان ترقی کرده - خصوصاً بداییر جدیدی که روسیان برای ترقی نجات خود نموده اند میتوان گفت که بحال خواهد گذشت که تجارت روس در جمیع افغانستان شیوع نام حاصل نموده چند برار حالیه خواهد شد - ولی کمان عبود که تجارت افغانان در روسیه ترقی نماید - چرا که تجارت آنان از اجناس طبیعی مملکت است چون افغانه علم ندارند قادر بر ازدیاد تجارت خود نمیشوند - برعکس تجارت روسها از مواد صنعتی است و روز بروز صنایع روسیه زیاد می شود روی تجارت روس در افغانستان ظاهر میدارد که به تنها در قلیل زمان ثروت افغانستان را جلب خواهد نمود - بلکه از روی بداییر جدیدی تجارت انگلیس را نیز شکست فاحش رسانیده در سایه نفوذ تجارت روس سیاست خود را بر تکمیل خواهد نمود - هر قدر از تجارت انگلیسان در افغانستان کاسته شود از سیاست آنان نیز خواهد کاست - ترفیات تجارت روس عاقبت دولت انگلیس را مجبور خواهد کرد به تسلیم محابرات تجارتی روس با افغانستان بلا واسطه  
 امیر افغانستان چون فعلاً در تجارت با روس فائده ملک را دیده و از تجارت انگلیسان ضرر مملکت را مشاهده میکند - یعنی صدور اتمه افغانستان بخاک انگلیس نسبت به ورود مالالتجاره انگلیس با افغانستان

بسیار کم است تا یکسکندرجه به تجارت روسیان بیشتر رغبت دارد - ولی از مال تجارت با روسها ظالم است - که عاقبت او را دوچار خسارات عظیمه خواهد ساخت

**رپورت تجارتی هند**

اجناسیکه در آگست ماه انگلیسی از هند خارج شده بموجب ذیل است

پنبه	...	(۱۲۱۰۵۴۹) هندرویت
گندم	...	(۲۹۴۲۰۳۹۰)
بزرگتان	...	(۵۰۰۹۳۶۸)
کنجد	...	(۹۳۳)
جوت	...	(۱۱۵۹۰۵۱۹)
چانی	...	(۲۸۶۷۱)
برنج	...	(۳۵۱۰۶۱۱۱)

یک هندرویت بیست و هشت من - و من چهل سیر - و سیر دویست مثقال است

**مبادلات تجارتی روس و ایران**

سفیر دولت انگلیس مقیم پترسبرگ رپورت تجارت بین ایران و روس را در سال (۱۹۰۱) میلادی چنین میدهد

اتمته که از روسیه در سنه مزبوره بایران وارد شده (۲۵۴۸۱۹۳۱) منات بود

همان سال در مقابل اجناسیکه از ایران بروسیه رفته است (۲۳۴۸۶۴۴۶) منات بقلم آمد در حقیقت مبلغ قلیل در تجارت با روس ایرانیان را نقصان بود ولی از وقتی که دولت روس با اسم معاوضه بالمثل تعرفه جدید گمرک بر اتمته ایران گذارده از استاتستیک شش ماهه آن ظاهر میشود که مالالتجاره روس در سدهی هفت کم وارد ایران شده و مالالتجاره ایران صدی سی و شش کمتر در روسیه رفته است - تعرفه جدید گمرک ایران بمالالتجاره انگلیس و سایر دول هم زاید بر صدی ده نقصان خواهد رسانید چه ورود اتمته خارجه بایران حکم لروم را پیدا کرده است زیرا که مد هر چیز ملت و دولت ایران امروزه محتاج بخارجه اند

## مکتوب مصر

### از شماره ۱۲

شهریار گفت در این باب چه مصلحت بر فضای  
شخاطر ما در پرواز است ؟  
وزرا عرض کردند - اولاً آنکه اگر پادشاه با  
لشکر متوجه سفر گردد - مرکب استطاعت سپاه را  
تاب قطع مراحل اخراجات این راه نیست - و همه از  
احاطه خبر و مکنه حال بیرون روند - و دیگر آنکه  
حکما گفته اند آنقدر که روح بدن را قوت و منفعت  
بخشد از وجود پادشاه نیز در جسد مملکت خاصیت  
و معاوت متصور است - گاه باشد که چون ظل ظهور  
شهریار از فرق ملک باز داشته شود - از جانب مخالفین  
دست بردی بولایت راه یابد - و باسانی اصلاح آن ممکن  
نگردد - و اگر شهریار بنفس نفیس تنها متوجه  
گردند - چون شوارع و راهها تا امن است - و پادشاه را  
نیز همیشه خصاء در کین میباشند - در اینصورت دغدغه  
آن هست که مبادا از طراران و دشمنان مد طاقت  
گراه خلل و چشم زخمی بوجود مبارک آنولینعت برسد -  
در هر شق طالبان پناه را این حرکت متعذر است  
و توقف بر عزیمت ترجیح تمام دارد - شهریار را تدبیر  
وزرا و وکلا مرضی قبول خاطر نیفتاده فرمود مراجع  
شوق ادراک این موهبت گریبان گیر خاطر گردیده - تا  
تحصیل این ثواب نکند لحنه بر سر بر استراحت نیارام -  
و جرعه از ساهر طاقت نیاشام - پس شما را تدبیری  
در این باب لازم است - گفتند - در این ولایت شخصی است  
از ارباب حال و سدها و صاف نوش خمخانه توفیق و اقیاد -  
بکنج صومعه نجرد و آزادی نشسته - و در هوا و موس  
تعلقات از آمیزش خلق بر روی خود بسته - شاید چنان  
تواند شد که پادشاه او را راضی نموده ثواب يك حج از  
از او بخرند - از آنجا که پادشاه را با اهل اقبه و اصحاب توفیق  
و قائید ربط صمیمی و خلوص نیک بود بصومعه عابد  
رفته - بعد از امتحان ابواب مصادقت - پادشاه بعابد گفت

که ای بادیه بجای حنابق امرار شنیدم که شصت حج بجا  
آورده؟ چون مرا بعضی اسباب و امراض مانع سد راه  
عزیمت و دریافت این توفیق است استدعا دارم که  
ثواب يك حج بمن فروشی تا مرا خورشید ثوابی از  
مطلع طلوع نماید - و تورا نیز شاهد انتقاعی در آغوش  
بضاعت آید

عابد گفت خوب است من ثواب جمله حجها را  
به شهریار میفروشم - شهریار گفت بهای آنها چه  
میشود - تسایم کم؟ جواب داد هر قدمی که از آن  
راه قطع کرده تمام ما یعرف عالم - شهریار گفت قایلی  
از اسایب که در عالم موجود است به تصرف من  
میباشد از این قرار بیهای قدمی وفا نمینماید - عابد گفت  
آسان میکنم - يك شرط اگر چنانچه شهریار بقبول آن  
تن در دهد - ثواب همه صحها که گذاردهام عابد و واصل  
بروزگار پادشاه شود و نیم دینار بخزانه او خلل راه نیابد  
ملك گفت آنچهگونه توان بود عابد عرض کرد ای  
ملك ثواب داد يك مظلوم که از ظالم گیری مرا عنایت  
کن تا من فواید نتایج همه حجها را به پادشاه واگذار  
کنم - حقا که هنوز صرفه من برده باشم زیرا که  
هر ذیشوکتی که بصفه عدالت و انصاف  
موصوف باشد - و چتر مروت و حمایت بر فرق رفاهیت  
مظلومان گسترده - انتظام رونق دستگاه ملکش از شبایه  
خلل مصون - و بهار دولتش از خزان روال مأمون -  
و خلق در سایه ماطفتش مرفه و حق جل و علا  
از وی خوشنود گردد

داد مظلومان بده مقصود محرومان بر آر

دین و دنیا را از این داد و دهش معموردار

چون پادشاه از عابد نصایح مشفقانه اسماع نمود  
فسخ عزیمت خریدن ثواب حج کرده در صفة سریر عدل  
وداد جلوس کرده - و درفشاندن تخم مروت از ادراک  
لذات ثمرات همه عبادات و طاعات شیرین کام گردید -  
ای شهریاره ملك آرا و ای پادشاه بندگان امیدگاه چراغ  
این موعظه بدان نور گردانیدم و رایحه عطر این مثل



پشام پادشاه دادگر رسانیدم که شهریار را قین حاصل  
گردد که لالی تالیج توفیقات دو جهان پر بدین شرف  
غور رسی ، فتوت پادشاهان عدل گستر دادگر است  
عدل در دنیا نگو نامت کند

در قیامت نیک فرجامت کند

اندر این عالم معکم سازد

چون بان عالم روی بنوازد

شاهد حقیقت این معنی پرده نشین حجله خانه ضمیر  
حقایق تصویر شهریار بی نظیر خواهد بود . که مقدمات  
نسق و نظام عالم و انجاء او و بنی آدم بدون وجود حاکم  
و میز عالی انتظام ندارد . و از آنجاست که پادشاه اقلیم  
لم یزلی که منشور حکم رانی و هستی آن بهمراه لازمی  
مزین است در هر زمانی از اوقات پروانچه حل و عقد  
امور روزگار و استحکام سلسله نسق و آئین از من  
و اعصار را بکف کفایت رسول و خلیفه سپرده . که  
واسطه نسق و ضابطه جهان و مهد اساط امن و امان  
و تکفل امور جهانی بوده . آیر ظلم و جور اقویا را  
از سینه عجز بنوای ضعفا بسپر حمایت و ممانعت دفع نماید  
نظر بر اینکه در ایوقت که ایام غیبت امام زمان  
میداشد وجود شهریاران عادل در اقالیم ربیع مسکون  
بجهت رفع نوایر تسلط ظلمه و سایر خصوصیات اصلاح  
حال عالم و طالبان و حفظ ننگ و سیرت خلق الله  
بجهت عدیده در کار و ضرور است . پس باید که هر  
یک را خطاب سروری و بلند اقبالی بتوقیع وقیع نظر  
مرحمت ایزدی پیراسته میگردد در جمیع امور رضای  
واجب الوجود را محل تمام داده . علت فانی ریاست را  
منحصر بتوفیر زر و سیم . و ادراک لذات ناز و سیم .  
و آرایش تعمیر تن و بدن ندانند . که هیچ پادشاهی  
را عهده بوفور مکننت و بن پروری ستوده اند . بلکه  
بصفت پسندیده عدل و احسان و اصلاح مملکت و رعایت  
رعیت ستایش کرده اند

طرف شهرت نعمت از حد بیرون قارون و  
گفتگوی عدالت و انصاف نوشیروان در کتابه قصر

زمان و اورای السنه پیر و جوان ثبت است - عموم  
شهریاران دور آترا خضر راه ستوک و سرمشق طریقه  
ملك داری تواند بود . قارون با ونجود دعوی اسلام  
بخواست دولت مخالفت دعوت رسول عصر فرموده با  
اینهمه اسباب که هزار خون جگر تحصیل نموده بود  
طعمه کام خنرات الارض گردید . بنیر از در هم و دینار  
دافع محسرت و حرمان از آن دیناری بمصرف آرزوی  
کامرانیش نرسید . و او شیروان با وجود آتش پرستی  
و کفر از رهگذر اینکه پیوسته طریق عدل و انصاف  
و حقانیت مرعی دلتش . تا چندان که اثری از هستی  
عالم باقی بوده باشد زبان خلق بذکر جیل او جاری خواهد  
بود . و از آنجا که فیض مرحمت الهی معاون حال  
ارباب عدل است بکن در آخرت نیز تخفیفی در عذاب  
او واقع شود

پس در اینصورت هرگاه پادشاه کافر بسبب عدل  
منظور نظر خالق و خلاق بوده در هر مرصه که  
کاروان سخن بار توصیف فتوت و نیکوکاری گشاید .  
اول امتنه صفات حمیده او را در بساط ظهور جلوه دهد  
بر مشخص و بدیهی است که اگر پادشاه مسلمانان  
تحم این صفات حمیده در مزرع نیت افشاند از حاصل  
تلافی و باداش آن . در دو جهان خرمینهای خیریت و  
نتایج نیکو بردارد . و اگر دل حق شناس و دیده بصیرت  
باشد شکر همین نعمت بس که حق تعالی اینقدر قدرت  
در بازوی فوق ایشان کرامت فرموده که جراحت  
داد مظلومان را از نینیه ظلمه مرحم انتقام تواند  
گذاشت . و برشته عطای موهبت بانتظام شیرازه از  
هم گسته سفینه فقر بنوایان همت تواند گذاشت

عدل بورست کنز آن ملك منور گردد

وز نیش همه آفاق مطر گردد

عدل پیش آرد مراد دل درویش برار

تا ترا آنچه مراد است میسر گردد

پس پادشاه حجه سیرت را بمقتضای بلند لوای  
فتوت بر ذمت همت و الا فرض است که حقیقه نیت